

ما فکر می‌کنیم در کشور ایران، یکی از سخت‌ترین و مهم‌ترین کارها نوشتن کتاب در حوزه ادبیات فارسی است. حساب کنید وقتی کسی می‌خواهد یک خودروی جدید در آلمان یا ژاپن بسازد، خیلی دغدغه دارد و خیلی باید حواشش را جمع کند. نوشتن کتاب حاضر هم «فارغ از این ماجرا» نیست!

ماجرای **ماجرای بیست فارسی ۳** یک قصه دنباله‌دار است. از سال ۱۳۹۷ که برای اولین بار این کتاب با عنوان «ماجرای من و درسام» منتشر شد تا به امروز، هر سال کیفیت کتاب را بالا برده و آن را روزآمد کرده‌ایم. سال گذشته به مؤلفانمان گفتیم: «عزمتان را جزم کنید که باید بهترین کتاب فارسی را بنویسید!». الان که به پایان تألیف رسیده‌ایم، به نظر می‌رسد که آن توصیه، عملی شده. 

درس‌نامه‌ها کامل‌کامل، بیش از ۲۶۵۰ سؤال تألیفی و نهایی برگزیده، پاسخ‌هایی درخور و بایسته، ضمیمه‌هایی جامع و مانع؛ و خلاصه هر آن‌چه در کتاب فارسی ۳ لازم است، در این بسته سه‌جلدی می‌توان دید. ما به عنوان ناشر، از نتیجه کار راضی هستیم؛ اما مهم‌تر از نظر ما، اقبال دبیران، مشاوران و دانش‌آموزان به کتاب است:

«ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم‌مگر پیش نهد لطف شما، گامی چند»

از مدیران تألیف قبلی و فعلی و هم‌چنین از تک‌تک مؤلفان سابق و لاحق ممنونیم که همواره تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا بتوانیم محصولی شایسته تولید کنیم. شما هم حتماً ما را از نظرات خودتان مطلع کنید.

مقدمه گروه ادبیات

قدیم:

محلان آزاده‌ای که رسالت

چند نه‌هزارگی را به تنهایی بروش می‌کشد!

هر قوم و ملتی شاخصه‌ای دارد که با آن شناخته می‌شود. **شاخصه ما ادبیات است!** بدون آن که دچار خودشیفتگی بشویم باید بدانیم شاعران و نویسندگان قدیم ما شهرت جهانی دارند. همه جای دنیا فردوسی و ختّام و سعدی و مولوی و حافظ را می‌شناسند؛ به عنوان نمونه آیا می‌دانید اسم خیابانی در مرکز شهر پاریس، «فردوسی» است یا این که شعر «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند» از سعدی در مقرّ سازمان ملل در نیویورک بر فرشی زیبا بافته شده و بر دیوار نصب شده است یا این که شعر مولوی با نام Rumi سال‌هاست که در زمره پرفروش‌ترین کتاب‌های شعر در آمریکا قرا دارد؟! 

بله؛ هم‌وطن عزیزم! هر جای این پهنه گیتی که سرک بکشی، اثری از ادبیات ایران را در آن جا می‌توانی ببینی و فرهیختگان هر کشوری، ما را با نام سعدی و مولوی و ختّام می‌شناسند؛ اما جای تعجب است که خود ما آن‌چنان که باید و شاید این بزرگان را نمی‌شناسیم!

درواقع ما از داشته‌هایمان بی‌خبریم:

«ببدلی در همه احوال، خدا با او بود او نمی‌دیدش و از دور خدایا می‌کرد»

به هر حال وضعیت فعلی ما همین است. کاری که می‌توانیم بکنیم این است که دست‌کم این کتاب فارسی درسیمان را با کیفیت‌تر بخوانیم و یاد بگیریم؛ شاید جوانان آگاه‌تر، آینده بهتری را برای خود بسازند.  ما یک کاری در درس‌نامه انجام داده‌ایم که تاکنون کسی نتوانسته به آن نزدیک شود: تمام ابیات کتاب درسی و حتی برخی از متون نثر را برایتان مرتّب و نقش‌یابی کرده‌ایم. دقیقاً همان کاری که یک دانش‌آموز باید انجام بدهد تا بتواند معنی و مفهوم و نقش کلمات متن را درست تشخیص دهد.^۱

و اما این مقدمه کامل نمی‌شود مگر با سپاس از همکارانی که برای آماده‌شدن این کتاب ما را حمایت و یاری کرده‌اند: دکتر کمیل نصری، مهندس محمدمهدی بقائی، سهیل سمائی، مینا طاشی، دنیا معصومی، لیلی رشیدی، شیوا کوهی، نسترن غنی و البته تک‌تک عزیزانمان در واحدهای مختلف سازمان.

تا یادم نرفته بگویم که اولاً صفحات بعدی را حتماً بخوانید تا با جزئیات این کتاب بیشتر آشنا شوید و دیگر این که از محتواهای افزوده کتاب هم با اسکن بارکد QR استفاده کنید.

خدا یار و یاورتان! 

۱. تصویر فرش «بنی‌آدم» سعدی در سازمان ملل متحد:



متن شعر سعدی، بافته شده در فرش:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

۲. آگاهانه این کار را کرده‌ایم و می‌دانیم یک عده‌ای هم مترصدند که به فلان نقش دستوری یا بهمان مرتّب‌سازی ما ایراد بگیرند.

آشنایی با ماجرای بیست فارسی دوازدهم خیلی سبز

یک اسکن، همه چیز در دسترس

اول از همه باید فعال سازی پنل کتاب رو انجام بدی تا به همه محتواها و امکانات دسترسی داشته باشی.

گام سوم



کد اسکرچ رو بعد از خراشیدن، ثبت و فعال سازی کنی. (فقط برای بار اول)

گام دوم



با شماره موبایل
وارد بشی.

گام اول



فقط کافیه QR Code
کتاب رو اسکن کنی!

حالا بریم ببینیم با فعال شدن پنل
کتاب چیا گیرمون میاد!

نسخه دیجیتال کتاب، کتابخوان خیلی سبز

با خرید نسخه چاپی این کتاب، نسخه دیجیتال اون هم در اختیار شما قرار می‌گیره تا بتونین در هر زمان و مکانی به محتوای کتاب دسترسی داشته باشین. کتابخوان دیجیتال خیلی سبز به شما این امکان رو می‌ده که متناسب با سبک مطالعه خودتون، از امکانات متنوعش استفاده کنین.



امکان مطالعه در
هر دستگاهی



یادداشت کردن



هایلایت کردن و
علامت گذاری



۳

همایش ویژه شب امتحان

همه دانش آموزها در هر سطحی که هستن، قبل از امتحان‌های نهایی (یا نوبت اول) نیاز دارن که یه معلم حرفه‌ای کار رو براشون جمع کنه! جواب این نیاز چیزی نیست جز همایش‌های شب امتحان خیلی سبز که ویژگی‌های زیر رو دارن:

- مرور کاربردی ویژه امتحان نهایی
- تدریس شده توسط بهترین دبیران
- بررسی تمام نکات مهم و پرکاربرد
- تحلیل امتحان‌های نهایی سال‌های اخیر
- نکات مشاوره‌ای و پیش‌بینی سؤالات امتحان نهایی
- آموزش تشریحی نویسی



۴

آموزش ویدیویی، فایل ها و Pdf های تکمیلی



آموزش ویدیویی، امتحان های نهایی، امتحان های مبحثی، خلاصه درس
شب امتحانی و ... تنها بخشی از محتواهای افزوده این کتابه که کم کم
براتون روی پنل کتاب آپلود می شه!



۵

نمونه سؤال های آزمون های تشریحی خیلی سبز



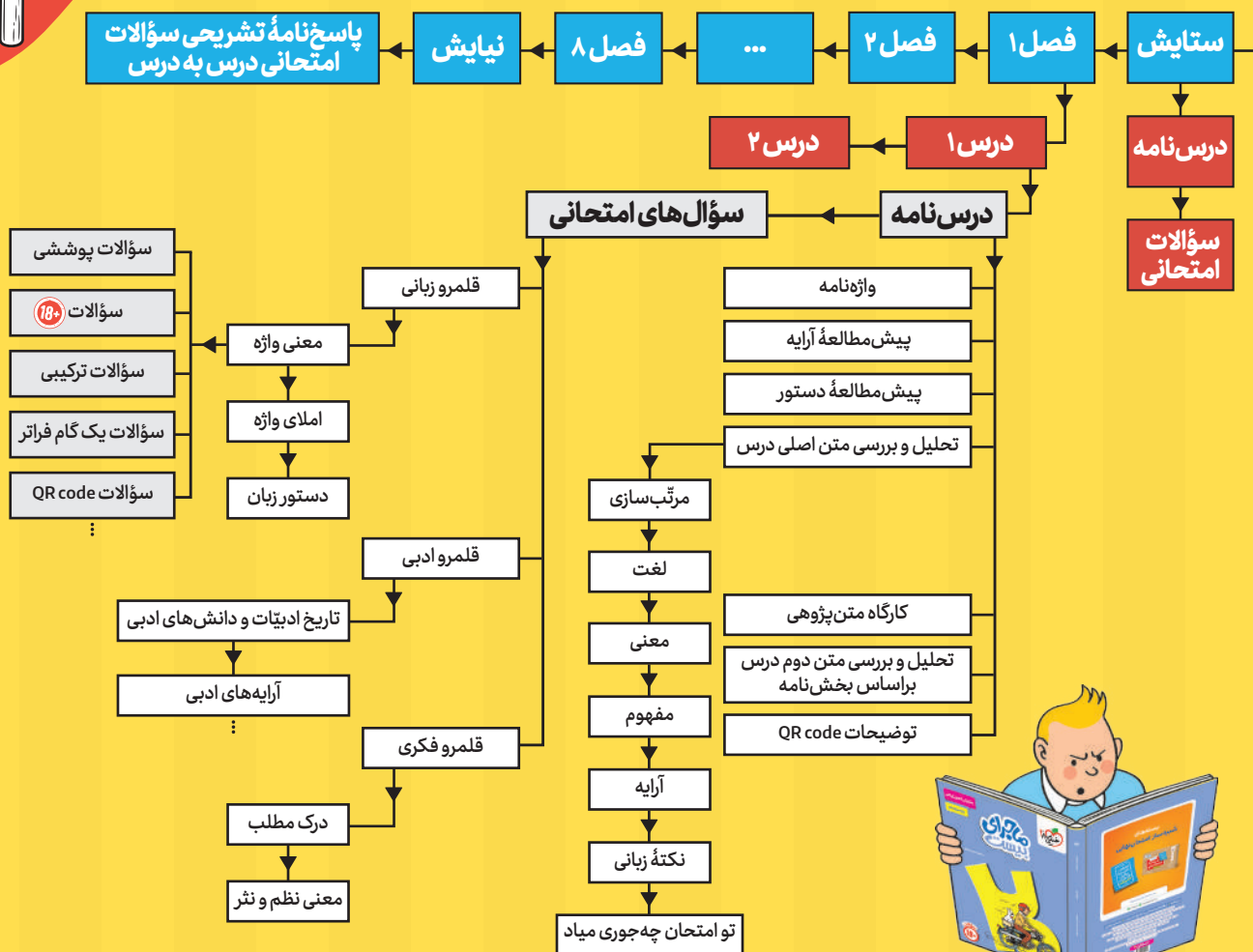
آزمون های تشریحی خیلی سبز، پرمخاطب ترین آزمون های آزمایشی تشریحی در کشور
هستند! این آزمون ها باکیفیت ترین و شبیه ترین سؤال ها به امتحان های نهایی رو دارن و ما
آرشیو این آزمون ها رو براتون در پنل کتاب قرار دادیم.

۶

ساختار کتاب اصلی در یک نگاه

حالا بریم ببینیم داخل کتاب
چه خبره!

کل کتاب اصلی





معرفی آیکون‌ها و کادرهای درس‌نامه



واژه‌های واژه‌نامه‌ای

پیش مطالعه آرایه

پیش مطالعه دستور

معرفی درس

دانش ادبی

تحلیل و بررسی درس



مرتب‌سازی

لغت

معنی

مفهوم

آرایه

نکته زیانی

(نهایی)

تو امتحان چه چوری میاد ؟

کارگاه متن پژوهی

موارد QR code

این واژه‌ها عیناً در امتحان نهایی مطرح می‌شوند و شما باید بی‌کم و کاست آن‌ها را یاد بگیرید. علاوه بر این‌ها، «واژه‌های غیر واژه‌نامه‌ای»، «واژه‌های مهم املائی» و «واژه‌های دارای هم‌آوا» QR code در دسترس شما هستند. در تحلیل هر درس، تعدادی از آرایه‌ها اهمیت بیشتری دارند. در این جا به مواردی که شما قبل از تحلیل متن بهتر است آن‌ها را مرور کنید، اشاره کرده‌ایم. کافی است ضمیمه شماره ۱۱ را بردارید و شماره‌هایی را که گفته‌ایم، بخوانید. مشابه مورد بالا، در این جا هم بهتر است به نکته‌های دستوری اشاره شده مراجعه کنید و آن‌ها را خوب بخوانید. پیش از ورود به هر درسی، لازم است شما با محتوای آن درس، پدیدآورنده آن و برخی جزئیات دیگر آشنا شوید.

توضیحاتی درباره نوع ادبی یا قالب شعری متن و ردیف و قافیه آن در این قسمت آمده است. تمام نکات و ظرائف کتاب درسی به کامل‌ترین شکل ممکن بیان شده است. هر چند «مشک آن است که ببوید، نه آن که عطار بگوید»، دلم نمی‌آید از این نکته بگذرم که این کامل‌ترین درس‌نامه‌ای است که می‌توانید ببینید. ترتیب درج نکات، درست به همان شکلی است که معلم سرکلاس درس باید بیان کند.

برای اولین بار در کتاب‌های آموزشی، تمام ابیات و بسیاری از جملات کتاب درسی را ابتدا مرتب و سپس نقش‌یابی کرده‌ایم تا مثل یک معلم در کلاس درس، به شما یاد بدهیم که چگونه باید نقش کلمات را پیدا بکنید. علاوه بر این، نقش‌های اصلی را در هر جمله با رنگ آبی نوشته‌ایم تا شما با یک نگاه بتوانید آن‌ها را از نقش‌های فرعی تشخیص بدهید.

در پایین هر بیت یا عبارت، لغت‌های واژه‌نامه‌ای و غیرواژه‌نامه‌ای را معنی کرده‌ایم. در متن درج شده از کتاب درسی، لغت‌های واژه‌نامه‌ای را رنگی و املاهای مهم را هایلایت کرده‌ایم.

هر چند خیلی با معنی کردن متن موافق نبودیم، اما به خاطر چهار نمره امتحان نهایی، معنی روان تمام ابیات و هم چنین جملات مهم کتاب درسی را آورده‌ایم.

چکیده معنی یا به بیان دیگر، پاسخ سؤال «شاعر یا نویسنده چرا این بیت یا عبارت را گفته؟» به عنوان مفهوم بیان شده است.

تمام آرایه‌های ادبی ریز و درشت متن، با توضیح کافی آمده تا هیچ نیازی به جزوه و کتابی دیگر پیدا نکنید. در موارد معدودی، به درس‌نامه آرایه‌های ادبی در ضمیمه شماره ۱۱ ارجاع داده‌ایم تا اگر لازم بود، توضیحات بیشتر را در آن جا بخوانید.

نکات دستوری افزون بر نقش کلمات که در مرتب‌سازی آمده در نکته زبانی توضیح داده شده است. گاهی مواردی را به درس‌نامه دستور در ضمیمه شماره ۱۱ ارجاع داده‌ایم. برای توضیح بیشتر و راهنمایی به آن‌ها مراجعه کنید. توجه داشته باشید که مبحث «جملات دارای مفعول و مسند» در درس هفتم، «وابسته‌های وابسته» در درس‌های هشتم و نهم و «انواع این» در درس هفدهم آموزش داده شده است و پیش از رسیدن به این درس‌ها، مراجعه به درس‌نامه دستور، لازم و واجب است.

در خلال درس‌نامه، مواردی که در امتحانات نهایی گذشته مورد سؤال بوده، مشخص شده تا به آن‌ها توجه ویژه داشته باشید.

مواردی است که بیشتر مدنظر طراحان سؤال قرار می‌گیرد.

تمام سؤالات «کارگاه متن پژوهی» کتاب درسی همراه با شرح و تحلیل در این قسمت آمده است.

مواردی را که خارج از «بخش‌نامه دبیرخانه راهبری» یا «راهنمای عملی ارزشیابی» بوده و هم چنین برخی موارد دیگر که در کتاب به آن‌ها اشاره شده است، با اسکن کردن بارکد کتاب در دسترس شما خواهد بود تا عنداللزوم از آن‌ها استفاده کنید.

معرفی تیتراها و آیکون‌های بخش سؤال‌های امتحانی و پاسخ‌های تشریحی



فرض کنید دوتا دانش‌آموز می‌خواهند برای امتحان نهایی از این کتاب استفاده کنند. اولی دانش‌آموزی است که از اول سال شروع به خواندن این کتاب کرده است؛ اما دومی خواندن این کتاب را گذاشته برای بعد از عید و می‌خواهد نزدیک امتحان از این کتاب استفاده کند. قطعاً دانش‌آموز اخیر نمی‌تواند به تمام ۲۶۶۱ سؤال این کتاب پاسخ بدهد. برای کمک به این دانش‌آموز دوم، ما تعدادی از سؤالات را با آیکون (18۰) و نیز تیتراهای ترکیبی و یک گام فراتر مشخص کرده‌ایم تا او با صرف نظر کردن از آن‌ها، دست‌کم بتواند به سؤالات اصلی هر درس پاسخ بدهد و اگر ۲۰ نمی‌گیرد، دست‌کم ۱۷ بگیرد. (18۰)

در بخش سؤال‌های امتحانی و پاسخ‌نامه از این تیتراها و نشانه‌ها استفاده کرده‌ایم:

تیترا یا نشانه	معرفی و توضیح
قلمرو زبانی	سؤالات معنی واژه، املا، واژه و دستور زبان، ذیل این تیترا آمده‌اند.
قلمرو ادبی	سؤالات تاریخ ادبیات، دانش‌های ادبی، آرایه‌های ادبی و حفظ شعر، در این قسمت قرار گرفته‌اند.
قلمرو فکری	سؤالات مربوط به درک مطلب و معنی نظم و نثر مربوط به قلمرو فکری هستند.
(18۰)	سؤالات دشوار و خیلی دشوار درس را با این نشانه مشخص کرده‌ایم. اگر به کم‌تر از ۲۰ راضی نمی‌شوید، سراغ این سؤالات بروید!
ترکیبی	در هر موضوع، تعدادی سؤال ترکیبی با دروس قبل آورده‌ایم تا بتوانیم سؤالات امتحان نهایی را کامل پوشش بدهیم. رنگ شماره این سؤالات را متفاوت آورده‌ایم تا بدانید که برای پاسخ‌گویی به آن‌ها باید مطالب دروس قبل را هم بلد باشید.
یک گام فراتر	گاهی دیده شده که طراح سؤال امتحان نهایی برای طرح سؤال، از بیت یا عبارت خارج از کتاب درسی استفاده کرده است. این سؤالات ویژه دانش‌آموزانی است که خوره یادگیری‌اند و از یک واو هم نمی‌گذرند!
نگاهی به آینده	برخی سؤالات، از مبحثی طرح شده‌اند که آموزش آن مبحث در درس‌های بعدی کتاب فارسی (۳) آمده است. این سؤالات را با این نشانه مشخص کرده‌ایم تا اگر لازم بود، ابتدا نگاهی به درس‌نامه آن در جلد ضمیمه بکنید و سپس سراغ آن سؤالات بروید.
وقت آزمون	هر جا این نشانه را دیدید به ضمیمه آزمون کتاب مراجعه کنید و به آزمون یا آزمون‌هایی که گفته شده جواب بدهید و خودتان را محک بزنید.
پاسخ	در پاسخ تشریحی سؤالات، ما از دورنگ استفاده کرده‌ایم؛ ۱- رنگ آبی که آن مقداری است که برای گرفتن نمره باید در ورقه بنویسید. ۲- رنگ مشکی که شامل توضیحات بیشتر برای راهنمایی شماست. راستی در این بخش هم گاهی به درس‌نامه‌های دستور یا آرایه در ضمیمه شماره (۱۱) ارجاع داده‌ایم.



ساختار کتاب‌های ضمیمه در یک نگاه



دستورالعمل «دبیرخانه راهبری ادبیات فارسی» و «راهنمای عملی ارزشیابی»!

چند سالی است که دبیرخانه محترم راهبری ادبیات فارسی، بخش نامه‌هایی را در ارتباط با نحوه برگزاری امتحانات فارسی منتشر می‌کند. وجود این بخش نامه‌ها، تکلیف دبیران و دانش‌آموزان را روشن می‌کند و از هدر رفتن وقت و توان آن‌ها پیشگیری می‌کند.

از سوی دیگر وزارت محترم آموزش و پرورش هم کتابی را با عنوان «راهنمای عملی ارزشیابی» منتشر کرده است تا کتب و کیف آموزش و سنجش در دروس مختلف تعیین شود.

بر همین اساس، ما جدولی را برایتان آماده کرده‌ایم تا بدانید سؤالات مربوط به مباحث مختلف امتحان نهایی فارسی ۳ از کدام متون کتاب طرح می‌شود. خودمان هم برای اولین بار، کتابمان را منطبق بر همین بخش نامه و راهنمای ارزشیابی تألیف کرده‌ایم تا شما دقیقاً بدانید که در هر متن کتاب باید دنبال چه چیزی باشید. اول بیایید جدول را با هم ببینیم:

مفهوم و درک مطلب	معنی شعر و نثر	حفظ شعر	آرایه‌های ادبی	تاریخ ادبیات	دستور زبان	املا	لغت	مباحث دروس
+	+	-	-	+	-	+	+	ستایش
+	+	-	-	+	-	+	+	نیایش
+	-	-	-	+	-	+	+	گنج حکمت
+	-	در امتحان نهایی فقط شعرخوانی‌های مربوط به دروس ۱۱ و ۱۳	-	+	-	+	+	شعرخوانی
+	-	-	-	+	-	+	+	روان خوانی
-	-	-	-	+	+	+	+	قلمرو زبانی کارگاه‌های متن پژوهی
-	-	-	+	+	-	+	+	قلمرو ادبی کارگاه‌های متن پژوهی
+	-	-	-	+	-	+	+	قلمرو فکری کارگاه‌های متن پژوهی
+	+	-	+	+	+	+	+	درس‌های اصلی (متن اول هر درس)

خلاصه دستورالعمل در امتحان نهایی!

حُب؛ کار آسان شد؛ براساس این جدول، در امتحان نهایی:

۱ سؤالات «لغت»، «املا» و «تاریخ ادبیات» از کل کتاب طرح می‌شود.

۲ سؤالات «دستور زبان» فقط از قلمرو زبانی کارگاه‌های متن پژوهی و درس‌های اصلی (متن اول هر درس) طرح می‌شود.

۳ سؤالات «آرایه‌های ادبی» فقط از قلمرو ادبی کارگاه‌های متن پژوهی و درس‌های اصلی (متن اول هر درس) طرح می‌شود.

۴ سؤالات «حفظ شعر» فقط از شعرخوانی مربوط به درس‌های ۱۱ و ۱۳ طرح می‌شود (بدیهی است در نیمسال اول، سؤالات شعرخوانی از شعرخوانی مربوط به درس‌های ۲ و ۷ طرح می‌شود).

۵ سؤالات «معنی شعر و نثر» فقط از «ستایش»، «نیایش» و درس‌های اصلی (متن اول هر درس) طرح می‌شود.

۶ سؤالات «مفهوم و درک مطلب» از کل کتاب، به استثنای «قلمرو زبانی و قلمرو ادبی» کارگاه‌های متن پژوهی طرح می‌شود.

امتحان نهایی چیست ؟

برای موفقیت در امتحان نهایی لازم است هم آن را به خوبی بشناسیم و هم استراتژی مناسب برای یادگیری هر یک از اجزای آن را در طول سال تحصیلی و نیز شب امتحان پیش بگیریم.

توضیحات قلمروها	اجزاء هر قلمرو	بارم	استراتژی یادگیری (با توجه به درس نامه های کتاب ماجرای بیست)
قلمرو زبانی (۷ نمره)	معنی واژه	۱ نمره	در ابتدای هر درس، لغات واژه نامه ای آن درس درج شده است. لازم است تمام معانی مقابل واژه ها را یاد بگیرید.
	املای واژه	۲ نمره	در رونوشت متن کتاب درسی، واژه هایی را که داخل آن ها، یکی از حروف «ت/ط»، «ث/س/ص»، «ح/ه»، «ذ/ض/ظ»، «ع/ع» و «غ/ق» به کار رفته، هایلایت کرده ایم. پیشنهاد می کنیم هر کدام از واژه های هایلایت شده را که برایتان دشوار و توجه برانگیز است، در ابتدای یک سطر در دفتری که به املا اختصاص داده اید، بنویسید و ماهی یک بار از روی واژه بنویسید تا در طول زمان املای درست واژه، ملکه ذهنتان شود.
	دستور زبان	۴ نمره	باید به مرتب سازی ها و نکته های زبانی داخل درس نامه های کتاب توجه کنید. درس نامه دستور را هم از جلد اول ضمیمه با دقت بخوانید و تمرین کنید. هر جایی که به شماره ای در درس نامه دستور ارجاع داده ایم، به آن مراجعه کنید که نکته طلایی یادگیری هر مطلبی تکرار است.
قلمرو ادبی (۵ نمره)	تاریخ ادبیات و دانش ادبی	۱ نمره	در ابتدای هر درس، نکاتی را درباره پدید آوند اثر یا قالب شعری و برخی مطالب دیگر ذکر کرده ایم؛ در داخل کارگاه های متن پڑوهی هم اشاراتی به برخی قالب های شعری شده است. زمینه های حماسه را هم از درس نامه درس دوازدهم خوب بیاموزید. در ضمیمه شماره «۱» نکات تاریخ ادبیاتی را در درس به درس برایتان مرتب کرده ایم تا مدام آن ها را تکرار کنید.
	آرایه های ادبی	۳ نمره	در تمام درس نامه های کتاب، نکات آرایه ای را استخراج کرده ایم. آن ها را دقیق و باتأمل بخوانید. درس نامه آرایه را هم از جلد اول ضمیمه مطالعه کنید و یاد بگیرید. هر جا هم که به درس نامه آرایه ارجاع داده ایم، به شماره مزبور مراجعه کنید تا نکته را بهتر متوجه شوید.
	حفظ شعر	۱ نمره	در امتحان نهایی فقط شعر خوانی مربوط به درس های ۱۱ و ۱۳ مطرح می شود. پیشنهاد می کنیم این دو شعر را با صدای خودتان ضبط کنید و بارها به آن ها گوش دهید تا خود ابیات و ترتیب آن ها در حافظه تان تثبیت شود.
قلمرو فکری (۸ نمره)	معنی نظم و نثر	۴ نمره	معنی تمام ابیاتی را که لازم دارید، هم چنین معنی جملات مهم درس ها را برایتان نوشته ایم، با تأمل در معانی مذکور آن ها را به خوبی یاد بگیرید.
	مفهوم و درک مطلب	۴ نمره	در جای جای کتاب درسی، برای ابیات و جملات متون کتاب، یک یا چند مفهوم آورده ایم. علاوه بر آن، به مفهوم کنایه های داخل درس نامه، در متون نثر معاصر دقت کافی داشته باشید.

چند نکته !

- از ضمیمه شماره «۱» یعنی «خلاصه درس»، علاوه بر شب امتحان، در طول سال تحصیلی هم استفاده کنید. علاوه بر آموزش کامل دستور و آرایه، واژه نامه هایی را به صورت الفبایی - و نه درس به درس - آورده ایم، تا هر وقت معنای واژه ای را بلد نبودید یا املای کلمه یا هم آوای واژه ای را خواستید، به راحتی آن را پیدا کنید.
 - بارم مربوط به دو نیمه کتاب یعنی «ستایش تا آخر درس ۹» و «درس ۱۰ تا آخر نیایش» با هم برابر است؛ بنابراین دروس نیم سال اول هم به اندازه دروس نهایی دوم اهمیت دارند.
 - آزمون های ۵ تا ۱۴ از ضمیمه شماره «۲» (آزمون ها) منطبق بر مباحث امتحان نهایی است، حتماً علاوه بر طول سال تحصیلی، در روزهای قبل از امتحان هم آن ها را تحلیل و بررسی کنید. آزمون های نهایی اخیر نیز به صورت QR code در اختیار شماست.
- موفق باشید.

فهرست مطالب

۱۴

سؤال‌های امتحانی

۱۲

ستایش: ملک، ذکر تو گویم

فصل ۲ | ادبیات پایداری

- درس ۳: آزادی - دفتر زمانه
 ۵۸ کارگاه متن پژوهی
 ۶۲ گنج حکمت: خاکریز
 ۶۴ سؤال‌های امتحانی
 ۶۵ فارسی واژه‌ها
 ۷۵ درس ۵: دماوندیه
 ۷۶ کارگاه متن پژوهی
 ۸۳ روان‌خوانی: جاسوسی که الاغ بود!
 ۸۴ سؤال‌های امتحانی
 ۸۸

فصل ۱ | ادبیات تعلیمی

- درس ۱: شکر نعمت
 ۱۷ کارگاه متن پژوهی
 ۲۶ گنج حکمت: گمان
 ۲۷ سؤال‌های امتحانی
 ۲۸ درس ۲: مست و هشیار
 ۴۱ کارگاه متن پژوهی
 ۴۵ شعرخوانی: در مکتب حقایق
 ۴۷ سؤال‌های امتحانی
 ۴۹

فصل ۳ | ادبیات غنایی

- درس ۶: نی‌نامه
 ۱۰۰ کارگاه متن پژوهی
 ۱۰۷ گنج حکمت: آفتاب جمال حق
 ۱۰۹ سؤال‌های امتحانی
 ۱۱۰ درس ۷: در حقیقت عشق - سودای عشق
 ۱۲۱ کارگاه متن پژوهی
 ۱۲۸ شعرخوانی: صبح ستاره باران
 ۱۳۰ سؤال‌های امتحانی
 ۱۳۲

فصل ۴ | ادبیات سفر و زندگی

- درس ۸: از پاریز تا پاریس
 ۱۴۱ کارگاه متن پژوهی
 ۱۵۲ گنج حکمت: سه مرکب زندگی
 ۱۵۴ سؤال‌های امتحانی
 ۱۵۵ درس ۹: کویر
 ۱۷۰ کارگاه متن پژوهی
 ۱۸۰ روان‌خوانی: بوی جوی مولیان
 ۱۸۲ سؤال‌های امتحانی
 ۱۸۶

فصل ۶ | ادبیات حماسی

- درس ۱۲: گذر سپاوش از آتش
 ۲۳۸ کارگاه متن پژوهی
 ۲۵۱ گنج حکمت: به جوانمردی کوش
 ۲۵۳ سؤال‌های امتحانی
 ۲۵۵ درس ۱۳: خوان هشتم
 ۲۷۱ کارگاه متن پژوهی
 ۲۸۱ شعرخوانی: ای میهن!
 ۲۸۲ سؤال‌های امتحانی
 ۲۸۳

فصل ۵ | ادبیات انقلاب اسلامی

- درس ۱۰: فصل شکوفایی
 ۲۰۲ کارگاه متن پژوهی
 ۲۰۵ گنج حکمت: تیرانا
 ۲۰۶ سؤال‌های امتحانی
 ۲۰۷ درس ۱۱: آن شب عزیز
 ۲۱۵ کارگاه متن پژوهی
 ۲۲۴ شعرخوانی: شکوه چشمان تو
 ۲۲۵ سؤال‌های امتحانی
 ۲۲۷

فصل ۸ | ادبیات جهان

- درس ۱۷: خنده تو
 ۳۷۱ کارگاه متن پژوهی
 ۳۷۴ گنج حکمت: مسافر
 ۳۷۵ سؤال‌های امتحانی
 ۳۷۷ درس ۱۸: عشق جاودانی
 ۳۸۵ کارگاه متن پژوهی
 ۳۸۷ روان‌خوانی: آخرین درس
 ۳۸۸ سؤال‌های امتحانی
 ۳۹۲

فصل ۷ | ادبیات داستانی

- درس ۱۴: سی‌مرغ و سیمرغ
 ۲۹۶ کارگاه متن پژوهی
 ۳۰۹ گنج حکمت: کلان‌تر و اولی‌تر
 ۳۱۱ سؤال‌های امتحانی
 ۳۱۲ درس ۱۶: کباب‌غاز
 ۳۲۹ کارگاه متن پژوهی
 ۳۴۸ روان‌خوانی: ارمیا
 ۳۴۹ سؤال‌های امتحانی
 ۳۵۳

۴۰۳

سؤال‌های امتحانی

۴۰۱

نیایش: لطف تو

۴۰۶

پاسخ‌های تشریحی



فصل یکم: ادبیات تعلیمی

شکر نعمت

۱

واژه‌های واژه‌نامه‌ای

معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در متن درس، مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است.

معترف: اقرارکننده، اعتراف‌کننده

مَفْعَر: هر چه بدان فخر کنند و بنازند، مایه افتخار

مُفَرِّح: شادی بخش، فرح‌انگیز

مکاشفت: کشف‌کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی‌بردن به حقایق است.

منسوب: نسبت داده شده

مِنت: سپاس، شکر، نیکویی

مُنکر: زشت، ناپسند

موسم: فصل، هنگام، زمان

ناموس: آبرو، شرافت

نبات: گیاه، رُستنی

نبی: پیغمبر، پیام‌آور، رسول

نسیم: خوشبو

واصفان: جمعِ واصف؛ وصف‌کنندگان، ستاینندگان

ورق: برگ

وسیم: دارای نشان پیامبری

وظیفه: مقرری، وجه معاش

وظیفه روزی: رزق مقرّر و معین

شهد: غسل؛ **شهد فایق:** غسل خالص

صَفَوَت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر

عاکفان: جمع عاکف؛ کسانی که در مدّتی معین در

مسجد بمانند و به عبادت پردازند.

عَزَّوَجَلَّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود.

عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ افشره، شیر

فاجش: آشکار، واضح

فایق: برگزیده، برتر

فزاش: فرش‌گستر، گسترنده فرش

قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن، دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند.

قُدوم: آمدن، قدم‌نهادن، فرارسیدن

قَسیم: صاحب جمال

کاینات: جمع کاینه؛ همه موجودات جهان

کرامت‌کردن: عطا کردن، بخشیدن

مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجّه بنده به حق و یقین بر این‌که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجّه به غیر حق

مزید: افزونی، زیادی (نهایی ۱۴۰۰)

مُطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد. (نهایی ۹۸)

اعراض: روی‌گرداندن از کسی یا چیزی، روی‌گردانی (نهایی ۱۴۰۰)

انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی

انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن

باسق: بلند، بالیده (نهایی ۱۴۰۳)

بنات: جمع بنت؛ دختران

بنان: سرانگشت، انگشت

ناک: درخت انگور، رَز (نهایی ۱۴۰۳)

تتمّه: باقی‌مانده؛ **تتمّه دور زمان:** مایه تمامی و کمال گردش روزگار، مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت

تحفه: هدیه، ارمغان

تحیر: سرگشتگی، سرگردانی

تضرّع: زاری کردن، التماس کردن

تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن

جسیم: خوش اندام

جلیه: زیور، زینت

خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده

دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.

ربیع: بهار

روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد.

شفیع: شفاعت‌کننده، پامیرد

پیش‌مطالعه آرایه

پیش از ورود به تحلیل و بررسی متن، این آرایه‌ها را مرور کنید:

ب استعاره: شماره‌های ۳۰، ۳۴، ۳۵ و ۳۷

ع نماد: شماره ۸۲

خ پریشش انکاری: شماره ۱۰۵

الف تشبیه: شماره‌های ۹، ۱۸ و ۱۹

و سجع: شماره‌های ۵۵، ۵۶، ۵۷ و ۵۸

ش اسلوب معادله: شماره ۸۸

پیش‌مطالعه دستور

مواردی که پیش از پرداختن به تحلیل و بررسی متن لازم است مرور شود:

ب جمله و اجزای آن: شماره ۳۵

ه ضمیر: شماره ۹۱

ط گروه اسمی «۱»: شماره‌های ۱۹۷ و ۱۹۸

ل کلمه‌های دوتلفظی: شماره ۲۴۳

د حذف: شماره‌های ۷۵، ۷۶ و ۷۷

ح گروه فعلی: شماره ۱۴۱

ی گروه اسمی «۲»: شماره‌های ۲۲۰ و ۲۲۳



درس «شکر نعمت» بخشی از دیباچه سعدی بر مقدمه کتاب مشهور «گلستان» است که آن را به «نثر مسجع» نگاشته است. سعدی در این بخش ابتدا به ستایش خداوند و ذکر نعمت‌هایش می‌پردازد و سپس بیان می‌کند که آدمی چون توان به جای آوردن شکر نعمت‌های فراوان او را ندارد، باید به واسطه تقصیر و کوتاهی در عبادت، عذرخواهی کند. در بخش دوم دیباچه، سعدی با آوردن یک حدیث زیبا از پیامبر اسلام، به ستایش ایشان می‌پردازد. بخش سوم مقدمه - که مهم‌ترین بخش درس از نظر درک مطلب است - به این نکته عرفانی می‌پردازد که عارف حقیقی، هیچ ادعایی ندارد و سکوت، نشانه خدانشناس حقیقی است.

تحلیل و بررسی درس «شکر نعمت»



مَنْتِ خدای را، عَزَّوَجَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

مرتب‌سازی مَنْتِ برای خدا [است]، عَزَّوَجَلَّ که طاعت او موجب قربت است و در شکر او مزید نعمت [است].
 نهاد مسند فعل اسنادی حرف ربط نهاد مضاف‌الیه مسند مضاف‌الیه فعل حذف فعل اسنادی محذوف
 وابسته ساز

لغت مَنْت: سپاس، شکر، نیکویی / عَزَّوَجَلَّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود. / مزید: افزونی، زیادی / قربت: نزدیکی
معنی شکر ویژه خداوند بزرگ و بلندمرتبه است که فرمانبری از او سبب نزدیکی به اوست و شکر او موجب افزونی نعمت است.
مفهوم شکر نعمت، نعمت افزون کند.

آرایه قربت و نعمت: سجع / جمله پایانی: تلمیح به قسمتی از آیه ۷ سوره ابراهیم: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ (اگر شکر کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد).
نکته زبان «قربت» هم‌آوا دارد: غربت (= بیگانگی). (نهایی ۱۴۰۲) / جمله «طاعتش موجب قربت است» پیرو است و بنابراین جمله بعدی که پس از «و» هم‌پایه ساز آمده نیز یک جمله پیرو است. / ویژگی دستوری کهن: «شکر» دو حرف اضافه گرفته: به شکر اندر / فعل «است» دو بار به قرینه لفظی حذف شده است. / «عَزَّوَجَلَّ» جمله معترضه است و برای توضیح بیشتر آمده است.

؟ توامتحان چه جوری میاد از «به شکر اندرش» سه جور سؤال میاد: ۱ این عبارت دارای کدام ویژگی دستوری کهن است؟ ۲ در کدام عبارت تعداد حروف اضافه از تعداد متمم بیشتر است؟ ۳ نقش دستوری ضمیر «ش» در «به شکر اندرش» چیست؟

هر نفسی که فرومی‌رود مُمِدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّج ذات.

مرتب‌سازی هر نفسی که فرومی‌رود مُمِدِّ حیات است و چون برمی‌آید مُفَرِّج ذات [است].
 صفت نهاد حرف ربط فعل مسند مضاف‌الیه فعل حذف فعل اسنادی محذوف
 وابسته ساز

لغت مُفَرِّج: شادی بخش، فرح‌انگیز / مُمِدِّ: مددکننده، یاری‌رساننده / حیات: زندگی / ذات: هستی، وجود
معنی هر نفسی که پایین می‌رود مددکننده زندگی است (نهایی ۱۴۰۲) و وقتی بیرون می‌آید شادی بخش وجود است. (نهایی ۱۴۰۲)
آرایه حیات و ذات: سجع (نهایی ۱۴۰۲) / فرومی‌رود و برمی‌آید: تضاد

نکته زبان «حیات» هم‌آوا دارد: حیاط (= محوطه بدون سقف جلوی خانه). / حرف ربط «و» دو جمله مرکب را هم‌پایه کرده است. / ترکیب وصفی: هر نفسی / ترکیب‌های اضافی: مُمِدِّ حیات - مُفَرِّج ذات / هر نفسی که فرومی‌رود مُمِدِّ حیات است / چون برمی‌آید مُفَرِّج ذات [است].
 جمله پایه جمله پیرو ادامه جمله پایه جمله پیرو جمله پایه

پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

مرتب‌سازی پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب [است].
 قید صفت متمم صفت نهاد مسند فعل حرف ربط صفت متمم نهاد مسند حذف فعل اسنادی محذوف
 وابسته ساز

معنی پس در هر نفس دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمتی، یک شکر لازم است.

نکته زبان «و» ربط هم‌پایه ساز است که دو جمله ساده را به هم وصل کرده. (نهایی ۱۴۰۱) / ترکیب‌های وصفی: هر نفسی، دو نعمت، هر نعمت / وابسته‌های پیشین: هر نفس، دو نعمت، هر نعمت

از دست و زبان که برآید؟ کز عهده شکرش به در آید

مرتب‌سازی از دست و زبان که برمی‌آید که از عهده شکر او به در آید.
 متمم عطف معطوف مضاف‌الیه فعل حرف متمم مضاف‌الیه مضاف‌الیه فعل وابسته ساز

لغت عهده: وظیفه

معنی هیچ کسی با گفتار و کردارش از پس شکر خداوند بر نمی‌آید. / از دست و زبان که برآید؟: از دست و زبان کسی بر نمی‌آید. (پرشش انکاری)

مفهوم ناتوانی در شکر خدا



آرایه دست: مجاز از عمل و کردار/ زبان: مجاز از گفتار/ برآید و درآید: جناس ناقص/ دست و زبان: مراعات نظیر (تناسب)/ کار از دست کسی برآمدن: کنایه از توانایی انجام کاری را داشتن/ قالب شعر: مثنوی

نکته زبان در مصراع نخست، نهاد دو حالت متفاوت می‌تواند داشته باشد: ۱- این (این از دست و زبان چه کسی برمی‌آید؟) ۲- کلّ جمله موجود در مصراع دوم

از عهده شکرش به در آمدن، از دست و زبان چه کسی برمی‌آید؟/ ترکیب‌های اضافی: دستِ که (= چه کسی) - زبان که (= چه کسی) - عهده شکر - شکر او/ نهاد
وابسته و وابسته: عهده شکرش (ش: مضاف الیه مضاف الیه) (شماره‌های ۹۱ و ۲۲۳ دستور)/ فعل «برآید» در معنی «برمی‌آید» مضارع اخباری و «به در آید» در معنی «به در بیاید» مضارع التزامی است./ از دست و زبان که برآید/ کز عهده شکرش به در آید؟
جمله پایه جمله پیرو

إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ

لغت قلیل: اندک/ شکور: بسیار شکرکننده

معنی ای خاندان داوود! شکرگزار باشید و اندکی از بندگان من شکرگرارند.

مفهوم توصیه به شکرگزاری

آرایه آوردن بخشی از آیه قرآن: تضمین (این آیه بخشی از آیه ۱۳ سوره سبأ است).

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندی‌اش کس تواند که به جای آورد

مرتّب‌سازی همان به [است] که بنده از تقصیر خویش، به درگاه خدای، عذر آورد. وگرنه کسی نمی‌تواند که سزاوار خداوندی او را به جای آورد
نهاد مسند حذف فعل به قریبه معنایی (نهایی ۱۴۰۰)
نهاد متمم مضاف الیه متمم مضاف الیه مفعول فعل نهاد فعل مفعول مضاف الیه فعل

لغت به: بهتر/ تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی‌کردن/ عذر: توبه، عذرخواهی/ سزاوار: شایسته

معنی همانا بهتر است که بنده بابت کوتاهی و گناهش، به درگاه خداوند توبه کند وگرنه هیچ کس نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته است، شکرگزار خداوند باشد.

مفهوم طلب بخشایش از خدا (نهایی ۱۴۰۱)/ ناتوانی در سپاسگزاری شایسته خداوند

دانش ادبی قالب شعر: قطعه/ «آورد» ردیف و «خدای» و «جای» واژه‌های قافیه هستند.

نکته زبان «خویش» هم‌آوا دارد: خویش (ایزار شخم‌زنی، گاواهن)/ مرجع ضمیر متصل «ش» در «سزاوار خداوندی‌اش» خداوند است./ وابسته و وابسته:

سزاوار خداوندی‌اش (ش: مضاف الیه مضاف الیه) (شماره‌های ۹۱ و ۲۲۳ دستور)/ بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد/
جمله پایه جمله پیرو

کس نتواند که سزاوار خداوندی‌اش به جای آورد
جمله پایه جمله پیرو

؟ تو امتحان چه جوری میاد از بیت اول و از بخش حذف فعل، به دو صورت معمولاً سؤال میاد: ۱ در کدام گزینه حذف فعل به قریبه معنایی رخ داده؟

۲ نقش دستوری «به» در جمله «بنده همان به که ز تقصیر خویش ...» چیست؟

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

مرتّب‌سازی باران رحمت بی حساب او به همه رسیده [است] و خوان نعمت بی دریغ او همه جا کشیده [شده است].
نهاد مضاف الیه صفت مضاف الیه حرف ربط متمم فعل حذف فعل به قریبه معنایی هم‌پایه ساز
نهاد مضاف الیه صفت مضاف الیه حرف ربط نهاد مضاف الیه صفت قید فعل حذف فعل به قریبه معنایی

لغت بی حساب: بی شمار/ خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده/ بی دریغ: بدون مضایقه، بدون بخل

معنی رحمت فراوان خداوند همچون بارانی است که به همه رسیده است و سفره نعمت بدون مضایقه‌اش در همه جا گسترده شده است. (نهایی ۱۴۰۳)

مفهوم فراگیربودن رحمت و نعمت خداوند

آرایه باران رحمت و خوان نعمت: اضافه تشبیهی (رحمت، نعمت: مشبّه؛ باران، خوان: مشبّه‌به)/ رسیده و کشیده: سجع

نکته زبان «خوان» هم‌آوا دارد: خان (= رئیس، سرور)/ مرجع ضمیرهای «ش» در این عبارت خداوند است./ ضمیر «ش» در «باران رحمت بی حسابش» مضاف الیه کلمه «رحمت» و در «خوان نعمت بی دریغش» مضاف الیه کلمه «نعمت» است، زیرا «بی حساب» و «بی دریغ» صفت‌اند و مضاف الیه در اغلب اوقات به اولین اسم قبل از خودش برمی‌گردد./ وابسته‌های وابسته: باران رحمت بی حسابش (بی حساب: صفت مضاف الیه؛ «ش»: مضاف الیه مضاف الیه)، خوان نعمت بی دریغش (بی دریغ: صفت مضاف الیه؛ «ش»: مضاف الیه مضاف الیه) (شماره‌های ۲۲۰ و ۲۲۳ دستور)/ فعل «کشیده» (کشیده شده است) مجهول است.

۱. در درس نامه و پاسخ‌های مربوط به مباحث «دستور زبان، آرایه و دانش ادبی» گاهی به درس نامه‌های کتابچه ضمیمه ارجاع داده‌ایم تا اگر لازم بود به شماره ذکر شده مراجعه و معلوماتتان را تکمیل کنید. این کار در روند یادگیری‌تان خیلی مؤثر است. **هَمَّاءُ انْهَامِش بَرین** ﴿١﴾





مرتب‌سازی [او] پرده ناموس بندگان را با گناه فاحش نمی‌برد و [او] وظیفه روزی را با خطای منکر نمی‌برد.

نهاد مفعول مضاعف‌الیه متقم صفت فعل حرف ربط نهاد مفعول مضاعف‌الیه متقم صفت فعل هم‌پایه‌ساز

لغت ناموس: آبرو، شرافت/ فاحش: آشکار، واضح/ وظیفه: مقرری، وجه معاش/ روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد/ وظیفه روزی: رزق مقرّر و معین/ منکر: زشت، ناپسند

معنی [خداوند] آبروی بندگان را به سبب گناه آشکار نمی‌برد و رزق مقرّر آن‌ها را به دلیل گناه زشت قطع نمی‌کند. (نهایی ۱۴۰۱)

مفهوم ستارالعیوب بودن خداوند (نهایی ۹۹ و ۱۴۰۳)/ روزی رسان بودن خدا (نهایی ۹۹)

آرایه پرده ناموس: اضافه تشبیهی (ناموس: مشبّه؛ پرده: مشبّه‌به)/ ندرد و نبرد: سجع/ پرده دریدن: کنایه از فاش کردن، رسوا کردن

نکته زبان «ندرد» و «نبرد» هر دو مضارع اخباری هستند: نمی‌برد و نمی‌درد/ ترکیب‌های وصفی: گناه فاحش، خطای منکر/ ترکیب‌های اضافی: پرده ناموس، ناموس بندگان، وظیفه روزی/ وابسته وابسته: پرده ناموس بندگان (مضاعف‌الیه مضاعف‌الیه) (← شماره ۲۲۳ دستور)

فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترند و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بیروند.

مرتب‌سازی [خدا] به فراش باد صبا گفته [است] تا فرش زمردین را بگسترند و [خدا] به دایه ابر بهاری فرموده [است]

نهاد متقم مضاعف‌الیه مفعول مضاعف‌الیه فعل حذف فعل به حرف ربط مفعول صفت فعل حرف نهاد حرف اضافه متقم مضاعف‌الیه مفعول حذف فعل به قرینه معنایی

تا بنات نبات را در مهد زمین بیروند.

حرف مفعول مضاعف‌الیه متقم مضاعف‌الیه فعل وابسته‌ساز

لغت فراش: فرش گستر، گسترده/ فرش/ دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند. بنات: جمع بنت؛ دختران/ نبات: گیاه، رُستنی/ زمردین: مثل زمرد (جواهری سبزرنگ) منسوب به زمرد؛ سبزرنگ/ مهد: گهواره

معنی [خداوند] به باد صبا که مانند یک فرش گستر است دستور داده تا سبزه و گیاهان را مانند فرشی سبزرنگ پهن کند و به ابر بهاری که همچون دایه است امر کرده تا گیاهان لطیف و تازه‌رسته را در روی زمین برویاند. (نهایی ۹۹)

مفهوم توصیف بهار و روییدن گل‌ها و گیاهان/ خداوند عامل اصلی همه امور است.

آرایه فراش باد، دایه ابر، بنات نبات، مهد زمین: اضافه تشبیهی (فراش، دایه، بنات و مهد: مشبّه‌به؛ باد، ابر، نبات و زمین: مشبّه) (نهایی ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱)/ حرف شنیدن و فرش گستر بودن باد صبا، حرف شنیدن و فرزندپروری ابر بهاری: تشخیص/ استعاره از سبزه و چمن (نهایی ۱۴۰۰)/ باد، ابر، بهار، نبات، زمین؛ فراش و فرش؛ دایه، بنات و مهد: مراعات نظیر (تناسب)/ جمله پایانی: تلمیح به آیه ۶ سوره النبأ: ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا﴾ (آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم؟)/ بگسترند و بیروند: سجع

نکته زبان «صبا» هم‌آوا دارد: صبا (= نام شهری است)./ «گفته» و «فرموده» هر دو ماضی نقلی هستند: گفته است و فرموده است/ «بگسترند» و «بیروند» هر دو مضارع التزامی هستند./ ترکیب‌های اضافی: فراش باد، باد صبا، دایه ابر، بنات نبات، مهد زمین/ ترکیب‌های وصفی: فرش زمردین، ابر بهاری/ وابسته‌های وابسته: فراش باد صبا (صبا: مضاعف‌الیه مضاعف‌الیه) (← شماره ۲۲۳ دستور)/ دایه ابر بهاری (بهاری: صفت مضاعف‌الیه) (← شماره ۲۲۰ دستور)/ حرف «و» حرف ربط هم‌پایه‌ساز است

که میان دو جمله مرکب آمده است. در هر یک از جملات مرکب، جمله قبل از «تا» پایه و جمله بعد از «تا» پیرو است./ حرف «را» در «فراش باد صبا را گفته»، حرف اضافه در معنای «به» است. (نهایی ۱۴۰۱)

درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده.

مرتب‌سازی [خدا] به عنوان خلعت نوروزی، قبای سبز ورق را در برگ درختان گرفته [است] و [خدا] با آمدن فصل بهار، کلاه شکوفه را بر سر اطفال

نهاد حرف اضافه متقم صفت مفعول مضاعف‌الیه متقم مضاعف‌الیه مفعول مضاعف‌الیه متقم مضاعف‌الیه فعل حذف فعل به نهاد حرف ربط مفعول صفت فعل حذف فعل به قرینه معنایی

شاخ نهاده [است].

مضاعف‌الیه فعل حذف فعل به قرینه معنایی

لغت خلعت: جامه دوخته‌ای که بزرگی به کسی بخشد./ قبای: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش، باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند./ ورق: برگ/ بر: تن/ شاخ: شاخه/ قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن/ موسم: فصل، هنگام، زمان/ ربیع: بهار

معنی [خداوند] به عنوان هدیه نوروزی، لباسی از برگ‌های سبز بر تن درختان پوشانده و به واسطه فرارسیدن بهار بر سر شاخه‌های کوچک درختان، شکوفه را مانند کلاهی قرار داده است.

مفهوم سبز و شکوفه دار شدن درختان/ خداوند عامل اصلی همه امور است.

آرایه قبای ورق، اطفال شاخ، کلاه شکوفه: اضافه تشبیهی (ورق، شاخ و شکوفه: مشبّه؛ قبا، اطفال و کلاه: مشبّه‌به)/ گرفته و نهاده: سجع/ خلعت پوشیدن درخت، کلاه داشتن شاخه: تشخیص/ در و بر: بر و سر: جناس ناهمسان/ درخت، ورق (= برگ)، شاخ (= شاخه) و شکوفه: خلعت، قبا و کلاه: سر و کلاه: مراعات نظیر (تناسب)

نکته زبان «را» در هر دو جمله از نوع فک اضافه (جانشین کسره) است: درختان را در بر: در بر درختان/ اطفال شاخ را بر سر: بر سر اطفال شاخ/ «گرفته» و «نهاده» هر دو ماضی نقلی هستند: گرفته است و نهاده است./ ترکیب‌های اضافی: برگ درختان، قبای ورق، سر اطفال، اطفال شاخ، قدوم موسم، موسم ربیع، کلاه شکوفه/ ترکیب‌های وصفی: خلعت نوروزی، قبای سبز/ وابسته‌های وابسته: اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده (شاخ و ربیع: هر دو، مضاعف‌الیه مضاعف‌الیه) (← شماره ۲۲۳ دستور)





◀ **توضیح** سجع در اصل باید در پایان دو یا چند جمله پشت سر هم بیاید؛ نه در داخل یک جمله اما چون برخی ادیبان این گونه کاربرد کلمات هم وزن یا دارای حرف پایانی یکسان را نیز سجع دانسته اند، این مورد را هم برایتان آوردیم.

نکته زبان جمله به شیوه بلاغی نوشته شده است، زیرا فعل در ابتدا آمده و سپس متمم و سایر اجزا. / وابسته و وابسته: تتمه دور زمان (زمان: مضاف الیه مضاف الیه) (← شماره ۲۲۳ دستور)

؟ توامتحان چه جوری میاد ۱) کدام بخش به خاتم التبیان بودن پیامبر اشاره دارد؟ ۲) کدام بخش این عبارت تلمیح دارد؟ ۳) ارکان سجع را در این عبارت مشخص کنید. ۴) در این عبارت چند نقش تبعی به کار رفته است؟ (هم معطوف ها نقش تبعی هستند و هم بدل!)

شَفِیعْ مُطَاعْ نَبِیْ کَرِیمْ قَسِیمْ جَسِیمْ نَسِیمْ وَ سِیمْ

لغت شفیع: شفاعت کننده، پایمرد/مطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می برد. (نهایی ۹۸)/ نبی: پیغمبر، پیام آور، رسول/ قسیم: صاحب جمال/ جسیم: خوش اندام/ نسیم: خوشبو/ وسیم: دارای نشان پیامبری

معنی [محمد مصطفی] شفاعت کننده، فرمانروا، پیام آور، بخشنده، زیبا، خوش اندام، معطر و دارای نشان پیامبری است.

مفهوم ستایش پیامبر اسلام (ص)

آرایه قسیم، جسیم، نسیم و وسیم: جناس ناقص/ تکرار صامت های /ن، /س، /م، /و مصوّت /ی: واج آرای

لَعْنَةُ الْعَلِیِّ بِحَالِهِ، کُفُّ الدُّجَى بِحَالِهَا حَمَلَ جَمِیعِ خِصَالِهِ، صَلَّوْا عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ

لغت عَلْن: مرتبه بلند و والا/ دُجى: جمع دُجیة: تیرگی ها، تاریکی ها/ خصال: جمع خصلت: خوی ها

معنی [پیامبر] به واسطه کمال خود به بلندمرتبی رسید و با زیبایی اش تیرگی ها را از بین برد. همه خلق و خواهش نیکوست؛ بر او و خاندانش درود بفرستید.

مفهوم ستایش مقام والای پیامبر اسلام (ص)

آرایه کمال و جمال: جناس ناقص/ کماله، جماله و خصاله: سجع/ تکرار صامت /ل: واج آرای

چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشیمان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟

مرتّب سازی برای دیوار اَمّت چه غم [هست] که (= زمانی که) [آن] چون تو پشیمان دارد؟

متقم مضاف الیه صفت نهاد حذف فعل به حرف متقم مفعول فعل محذوف اضافه

برای آن [کسی] که نوح کشتیان باشد، چه باک از موج بحر [هست]؟

متقم نهاد مسند صفت نهاد متقم مضاف الیه حذف فعل به حرف

لغت اَمّت: پیروان یک آیین، در این جا: مسلمانان/ پشیمان: چوبی که به منظور استحکام بر دیوار نصب می کنند. حامی/ باک: ترس

معنی همان طور که افرادی که در کشتی نوح (ع) نشسته اند، از طوفان باکی ندارند، مسلمانان نیز وقتی که پشیمانی همچون تو دارند، غمی ندارند. / چه غم؟: غمی نیست. (پرسش انکاری)؛ چه باک؟: باکی نیست. (پرسش انکاری).

مفهوم کسی که پیامبر حامی و پشیمانانش باشد آسیب نمی بیند. (نهایی ۱۴۰۲)

آرایه دیوار اَمّت: اضافه تشبیهی (اَمّت: مشبه؛ دیوار: مشبه به) - چون تو پشیمان: تشبیه (تو: مشبه؛ پشیمان: مشبه به) / مصرع دوم: تلمیح به داستان نوح و کشتی او/ کل بیت: اسلوب معادله (نهایی ۱۴۰۲) (← شماره ۸۸ آرایه) / دیوار و پشیمان؛ موج، بحر، نوح و کشتیان: مراعات نظیر (تناسب)

دانش ادبی «پشیمان» و «کشتیان» واژه های قافیه هستند.

نکته زبان «بحر» هم آوا دارد: بهر (= بهره، نصیب). / مرجع ضمیر «تو» در مصرع نخست، پیامبر اسلام (ص) است. / ترکیب های اضافی: دیوار اَمّت - موج بحر/ ترکیب های وصفی: چه غم - چه باک/ هر کدام از مصرع ها یک جمله مرکب است در هر دو مصرع.

؟ توامتحان چه جوری میاد ۱) این بیت چه آرایه هایی دارد؟ (این بیت یکی از شش بیتی است که در کل کتاب «اسلوب معادله» دارد و این آرایه مهم در این بیت چندین بار سوژه طرح سؤال بوده). ۲) حذف فعل را در این بیت مشخص کنید. ۳) «را» در هر یک از مصرع ها نشانه چیست؟ ۴) نقش دستوری دو واژه «دیوار» و «آن» را تعیین کنید.

هر که که یکی از بندگان گنهگار پریشان روزگار، دستِ اَنابَت به امیدِ اجابت به درگاه حق، جَلَّ وَ عَلَا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند.

مرتّب سازی هر که که یکی از بندگان گنهگار پریشان روزگار، دستِ اَنابَت به امیدِ اجابت به درگاه حق، جَلَّ وَ عَلَا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند.

قید نهاد متقم صفت مفعول مضاف الیه متقم مضاف الیه متقم مضاف الیه فعل نهاد متقم مفعول فعل

لغت اَنابَت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی/ اجابت: پذیرفتن، جواب دادن/ جَلَّ وَ عَلَا: بزرگ و بلندمرتبه است. / تعالی: برتر است، بلندمرتبه

معنی هرگاه یکی از بندگان گناهکار آشفته حال، دست را به نشانه توبه و به امید اجابت دعا، به درگاه خداوند متعال بلند کند، (نهایی ۱۴۰۳) خداوند متعال به او توجهی نمی کند.





آرایه انابت واجابت: **جناس ناقص**/ پریشان روزگار: کنایه از آشفته حال؛ در کسی نظر کردن: کنایه از به کسی توجه کردن/ گنهکار، انابت واجابت: مراعات نظیر (تناسب)/ دست انابت «اضافه استعاری نیست؛ بلکه اضافه «اقترائی» است: دست به نشانه انابت

نکته زبان «روزگار» دوتلفظی است: روزگار، روزگار/ «پریشان روزگار» صفت بندگان است نه صفت گنهکار.

بازش بخواند، باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.

مرتب سازی [بنده] باز او را می خواند، [خداوند] باز اعراض می فرماید. [بنده] بار دیگر او را با تضرع و زاری می خواند.

نهاد قید مفعول فعل نهاد قید مفعول فعل نهاد قید صفت مفعول متقم معطوف محذوف

لغت خواندن: صدازدن، تمنا کردن/ **اعراض**: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی (نهایی ۱۴۰۰)/ **تضرع**: زاری کردن، التماس کردن

معنی بنده مجدداً خدا را صدا می زند، خداوند از او روی می گرداند، بنده بار دیگر، خدا را با التماس و زاری صدا می زند.

آرایه باز و بار: جناس ناقص

نکته زبان این عبارت، سه جمله ساده دارد: ۱- ... بخواند ۲- ... فرماید ۳- ... بخواند؛ هر سه فعل آن، مضارع اخباری هستند.

؟ تو امتحان چه جوری میاد نقش دستوری ضمیر متصل «ش» در هر دو عبارت «بازش» و «بار دیگرش» مورد سؤال بوده: **۱** نقش دستوری این ضمیر را مشخص کنید. **۲** نقش دستوری این ضمیر با نقش دستوری ضمیر در کدام بیت یا جمله یکسان است؟

حق، سبحانه و تعالی فرماید: یا ملائکتی قد استحييت من عبدی و لیس له غیري فقد عَفَرْتُ له. دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.

مرتب سازی حق، سبحانه و تعالی فرماید: ... دعوت او را اجابت کردم و امید او را برآوردم که (= زیرا که) از بسیاری دعا و زاری بنده، شرم دارم.

نهاد جمله معترضه فعل مفعول مضاف الیه فعل مفعول مضاف الیه حرف مفعول مضاف الیه حرف متقم مضاف الیه حرف معطوف مضاف الیه مفعول فعل

لغت سبحانه و تعالی: پاک و والاست/ **دعوت**: خواسته، خواهش/ **اجابت**: پذیرفتن، جواب دادن/ **امید**: آرزو

معنی خداوند پاک و والا می فرماید: ای فرشتگان من، از بنده ام شرم دارم و او هیچ کسی جز من ندارد؛ پس او را بخشودم. دعایش را برآورده کردم و او را به آرزویش رساندم، زیرا از دعای بسیار و گریستن بنده، خجالت می کشم.

مفهوم مداومت بر توبه و استغفار/ شکستن و گریستن در برابر خدا، برآورنده حاجت است.

آرایه آوردن حدیث: تضمین/ کردم و برآوردم: **سجع**

نکته زبان دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم. / «فرماید» نیاز به مفعول دارد و حدیث ذکرشده

جمله پایه (هسته) حرف جمله پایه (هسته) حرف جمله پایه (هسته) حرف جمله پیرو (وابسته)

(یا ملائکتی ...). مفعول آن است. / «همی» همان «می» است که در دستور تاریخی گاهی با فاصله از فعل می آمده است: همی شرم دارم = شرم همی دارم/ مرجع ضمیر «ش» در «دعوتش» و «امیدش» بنده است. / ترکیب های اضافی: دعوتش (دعوت او)، امیدش (امید او)، بسیاری دعا، بسیاری زاری، دعای بنده، زاری بنده (بسیاری دعا [بنده] و [بسیاری] زاری [بنده]) / وابسته و وابسته: بسیاری دعا و زاری بنده (بنده: مضاف الیه مضاف الیه) (← شماره ۲۲۳ دستور)

؟ تو امتحان چه جوری میاد ترکیب های اضافی بیت را تعیین کنید.

کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار

مرتب سازی [تو] کرم و لطف خداوندگار را ببین؛ بنده گناه کرده است و او شرمسار [است].

نهاد مفعول حرف معطوف مضاف الیه فعل نهاد مفعول فعل حرف ربط نهاد مسند حذف فعل به محذوف عطف

لغت کرم: بزرگواری

معنی بخشش و مهربانی خداوند را ببین که بنده گناه می کند و او از گناه بنده اش خجالت زده است. (نهایی ۱۴۰۰)

مفهوم بخشش و عفو خداوندی (نهایی ۱۴۰۱)

آرایه خداوندگار و بنده: تضاد

دانش ادبی «خداوندگار» و «شرمسار» واژه های قافیه هستند.

نکته زبان تحلیل دستوری مصراع اول، به این صورت هم قابل قبول است:

[تو] کرم [خداوندگار] را ببین و [تو] لطف خداوندگار را [ببین]. / ترکیب های اضافی: کرم خداوندگار، لطف خداوندگار/ مرجع ضمیر «او» خداوند است.

نهاد مفعول مضاف الیه فعل نهاد مفعول مضاف الیه فعل محذوف

عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عبدناک حق عبادتیک، و واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: ما عرفناک حق معرفتیک.

مرتب سازی عاکفان کعبه جلال او به تقصیر عبادت معترف [هستند] که: ما عبدناک حق عبادتیک و واصفان جلیه جمال او به تحیر منسوب

نهاد مضاف الیه مضاف الیه مضاف الیه مضاف الیه متقم حذف فعل به مضاف الیه مضاف الیه مضاف الیه مضاف الیه متقم حذف فعل به

[هستند] که: ما عرفناک حق معرفتیک.

حذف فعل به قرینه معنایی





لغت عاكفان: جمع عاكف؛ کسانی که در مدّتی معین در مسجد بمانند و به عبادت بپردازند. / جلال: شکوه و عظمت / تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن / معترف: اقرارکننده، اعتراف‌کننده / واصفان: جمع واصف؛ وصف‌کنندگان، ستاینندگان / جلیه: زیور، زینت / جمال: زیبایی / تحیر: سرگشتگی، سرگردانی / منسوب: نسبت داده شده / معین: عبادت‌کنندگان بارگاه پرشکوه خداوند به کوتاهی در عبادت خود اعتراف می‌کنند و می‌گویند: آن چنان که شایسته تو بود، تو را عبادت نکردیم و توصیف‌کنندگان زینت جمال خداوند شگفت‌زده می‌گویند: آن چنان که شایسته تو بود، تو را نشناختیم.

مفهوم عجز آدمی از عبادت و شناخت خداوند (نهایی ۱۴۰۳)

آرایه کعبه جلال: اضافه تشبیهی (جلال: مشبّه، کعبه: مشبّه به) / حلیه جمال: اضافه تشبیهی (جمال: مشبّه، حلیه: مشبّه به) / آوردن حدیث پیامبر (ص) در میان کلام: تضمین / جلال و جمال: جناس ناقص / عاکف، کعبه و عبادت: مراعات نظیر (تناسب)

نکته زیان «منسوب» هم‌آوا دارد: منصوب (= نصب‌شده، گماشته) / وابسته‌های وابسته: عاکفان کعبه جلالش، واصفان جلیه جمالش (جلال «ش» و جمال «ش»): همگی مضاف‌الیه مضاف‌الیه (← شماره ۲۲۳ دستور) / مرجع ضمیر «ش» در هر دو جمله، خداوند است.

کر کی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟
عاشقان کشتان معشوق اند برنیاید ز کشتان آواز

مرتب‌سازی اگر کسی وصف او را از من پرسد، بی‌دل از بی‌نشان چه بازگوید؟ عاشقان کشتان معشوق هستند، آواز از کشتان بر نمی‌آید.

حرف نهاد مفعول مضاف‌الیه متقم فعل نهاد متقم مفعول فعل نهاد مسند مضاف‌الیه فعل نهاد متقم فعل

لغت بی‌دل: عاشق / آواز: صدا، بانگ

معنی اگر کسی توصیف او (= خداوند) را از من پرسد، من عاشق نمی‌توانم معشوق بی‌نشان را وصف کنم. عاشقان، کشته و فدایی معشوق اند و از کشتگان صدایی بلند نمی‌شود. / چه گوید باز؟: باز نمی‌گوید (پرسش انکاری).

مفهوم وصف ناپذیری خداوند (نهایی ۱۴۰۱) / سکوت عارفانه (نهایی ۱۴۰۰ و ۱۴۰۳)

آرایه بی‌دل: کنایه از عاشق؛ بی‌نشان: کنایه از خداوند / عاشق [مانند] کشتگان است: تشبیه (عاشقان: مشبّه؛ کشتگان: مشبّه به) / کشتگان (دو بار): تکرار / تکرار صامت / ش / واج آرای / گوید باز: ایهام (۱- بازگوید (فعل پیشوندی)، ۲- آشکارا و بی‌پرده بگوید) / «آواز»: برخی آن را مجاز از «صدا، کلام و سخن» می‌دانند.

دانش ادبی قالب شعر: قطعه / «باز» و «آواز» واژه‌های قافیه هستند.

نکته زیان «پرسد»، «بازگوید» مضارع التزامی هستند: پرسد و باز بگوید (نهایی ۱۴۰۴) / «اند» در «معشوق اند» مخفّف فعل اسنادی «هستند» و مضارع اخباری است. / مصراع (بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز) به شیوه بلاغی سروده شده است، زیرا پیشوند فعل (باز) بعد از فعل اصلی (گوید) آمده است. هم چنین مصراع «برنیاید ز کشتان آواز» به شیوه بلاغی است، زیرا فعل در ابتدای جمله آمده و سایر اجزا بعد از فعل آمده است. / در بیت اول، مصراع اول جمله پیرو (وابسته) است، زیرا بعد از حرف ربط وابسته ساز «و» آمده و مصراع دوم جمله پایه (هسته) است. / ترکیب‌های اضافی: وصف او - کشتگان معشوق

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

مرتب‌سازی یکی از صاحب‌دلان سر را به جیب مراقبت فرو برده بود و [او] در بحر مکاشفت مستغرق شده [بود].

نهاد متقم مفعول متقم مضاف‌الیه فعل نهاد متقم مفعول متقم مضاف‌الیه مسند فعل حذف بخشی از فعل به قرینه لفظی

لغت صاحب‌دل: عارف (نهایی ۱۴۰۰) / مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر این‌که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق (نهایی ۱۴۰۰) / جیب: یقه، گریبان / بحر: دریا / مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی بردن به حقایق است. / مستغرق: غرق شده، غوطه‌ور

معنی یکی از عارفان در حال تفکر عارفانه و توجه کامل به حق بود و در عالم کشف حقایق عرفانی غرق شده بود.

آرایه صاحب‌دل: کنایه از عارف / سر به جیب مراقبت فرو بردن: کنایه از توجه کامل به خدا داشتن / در بحر مکاشفت مستغرق شدن: کنایه از در عالم کشف حقایق عرفانی بودن / بحر مکاشفت: اضافه تشبیهی (مکاشفت: مشبّه؛ بحر: مشبّه به) / بحر، مستغرق: مراعات نظیر (تناسب) / «جیب مراقبت» اضافه استعاری نیست؛ بلکه اضافه اقترانی است: سر به جیب (گریبان) به نشانه مراقبت فرو برده بود. (← شماره ۳۴ آرایه)

نکته زیان «و» در این عبارت ربط هم‌پایه ساز است و بین دو جمله ساده آمده است. / ترکیب‌های اضافی: جیب مراقبت، بحر مکاشفت

؟ تو امتحان چه جوری میاد ۱) معنی و تعاریف واژه‌های «مراقبت» و «مکاشفت» را بیان کنید. ۲) معنی عبارت «سر به جیب مراقبت فرو بردن» چیست؟

آن‌گه که از این معامله بازآمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

مرتب‌سازی آن گاه که [او] از این معامله بازآمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: [تو] از این بوستان که بودی، برای ما چه تحفه کرامت کردی؟

صفت قید نهاد صفت متقم فعل نهاد متقم مفعول متقم مضاف‌الیه فعل نهاد صفت متقم فعل غیراسنادی

لغت معامله: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در متن درس، مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است. / انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن (نهایی ۱۴۰۰) / تحفه: هدیه، ارمان / کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن (معنی غیر عرفانی)

معنی زمانی که از این عالم معنویت و عرفان به حالت عادی برگشت، یکی از دوستان با حالتی خودمانی و بدون رودربایستی گفت: از این عالم معنویت و عرفان که حضور داشتی، برای ما چه هدیه‌ای آوردی؟





آرایه بوستان: استعاره از عالم معنویت و عرفان/ بودی و کردی: **سجع**/ «که و چه»؛ «ما، را»: **جناس ناهمسان**

نکته زبانی در این عبارت فعل «گفت» مفعول پذیر است و مفعول آن، کُل عبارت بعدی است./ ترکیب اضافی: طریق انبساط/ ترکیب های وصفی: آن گاه، این معاملت، این بوستان، چه تحفه

گفت: «به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پُر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!»

مرتب سازی [او] گفت: [من] به خاطر داشتم که چون (= وقتی که) [من] به درخت گل می رسم، [من] برای هدیهٔ اصحاب، دامنی پر کنم.
 نهاد فعل نهاد مفعول متقم فعل حرف وابسته ساز
 محذوف محذوف متقم مضاف الیه فعل نهاد محذوف

(← شماره های ۴۹ و ۵۰ دستور) چون (= وقتی که) [من] رسیدم، بوی گل من را چنان مست کرد که دامنم از دست من رفت.
 حرف نهاد مضاف الیه مفعول قید مسند فعل نهاد متقم مضاف الیه فعل
 وابسته ساز محذوف (نهایی ۱۴۰۲)

لغت اصحاب: یاران

معنی گفت: در ذهنم بود که وقتی به عالم معرفت الهی رسیدم، هدایای زیادی برای دوستانم بیاورم. وقتی به آن عالم رسیدم، عطر جلوۀ الهی چنان مرا سرمست کرد که مدهوش شدم.

مفهوم حیرت عارفانه/ سکوت عارف حقیقی (نهایی ۱۴۰۰)

آرایه درخت گل: استعاره از معرفت الهی یا خدا (نهایی ۱۴۰۳)/ بوی گل: استعاره از عطر جلوۀ الهی/ مست شدن: کنایه از غرق نشاط عرفانی شدن/ دامن از دست رفتن: کنایه از مدهوش شدن/ درخت و گل: مراعات نظیر (تناسب)/ دست و مست: جناس ناقص

نکته زبانی فعل «گفت» نیازمند مفعول است و جملهٔ داخل گیومه مفعول و از طرفی نیز وابستهٔ آن است./ جملهٔ «چون به درخت ... اصحاب را» در حکم پیرو برای جملهٔ «به خاطر داشتم» است. این جملهٔ پیرو، خودش یک جملهٔ مرکب است که «به درخت گل رسم» پیرو و «دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را» پایهٔ آن است./ مرجع ضمیر «م» در «گلم» و «دامنم» صاحب دل یا عارف است./ جملهٔ «بوی گلم چنان مست کرد» پایه و جملهٔ «دامنم از دست برفت» جملهٔ پیرو است. (نهایی ۱۴۰۲)/ «داشتم»، «برسیدم»، «کرد» و «برفت» همگی ماضی ساده هستند و «رسم» و «کنم» در معنی «برسم» و «بکنم» مضارع التزامی هستند./ گفت [که] به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را.

جملهٔ پایه جملهٔ پیرو جملهٔ پیرو جملهٔ پایه

؟ تو امتحان چه جوری میاد ۱ «درخت گل» و «بوی گل»، استعاره از چیست؟ ۲ نقش ضمیرهای متصل عبارت را تعیین کنید. ۳ مفهوم کنایهٔ «دامن از دست رفتن» را بنویسید.

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
 این مدعیان در طلبش بی خبرانند
 کان سوخته را جان شد و آواز نیاد
 کان را که خبر شد، خبری باز نیاد

مرتب سازی ای مرغ سحر! [تو] عشق را از پروانه بیاموز/ که (= زیرا که) جان آن سوخته (= پروانه) شد (= رفت) و [او] نیامد.
 حرف منادا مضاف الیه نهاد مفعول متقم فعل حرف وابسته ساز
 ندا محذوف

این مدعیان در طلب او بی خبران هستند، که (= زیرا که) به آن [کسی] که خبر شد (= رسید) خبری از او باز نیامد.
 صفت نهاد متقم مضاف الیه مسند فعل حرف وابسته ساز
 غیر اسنادی

لغت مرغ سحر: بلبل، هزارستان/ آواز: صدا، بانگ/ مدعی: ادعا کننده، لاف زن

معنی ای بلبل! (عاشق مدعی و پرحرف) عشق حقیقی را از پروانه (عاشق حقیقی) بیاموز، زیرا آن پروانهٔ داغ دیده می سوزد و صدایی از او بلند نمی شود. این افراد مدعی در طلب خدا، بی خبر و خدانشناس هستند، زیرا آن کسی که آگاهی و شناخت از خدا دارد، سکوت می کند و ادعایی ندارد.

مفهوم سکوت عارفانه (نهایی ۱۴۰۳)/ جان فشانی عاشق حقیقی

نکته مصراع چهارم نشانگر مرتبهٔ فنا یا فناء فی الله است (وادی هفتم در منطق الطیر عطار). **نگاهی به آینده**

آرایه مرغ سحر: نماد عاشق دروغین و تشخیص/ پروانه: نماد عاشق حقیقی (نهایی ۱۴۰۱)/ مرغ سحر و پروانه: تضاد (تضاد مفهومی)/ سوخته: کنایه از پروانه/ آواز نیامدن: کنایه از بی ادعایی/ شدن (رفتن): جان: کنایه از فدا شدن یا مُردن/ خبری باز نیامدن: کنایه از سکوت کردن

دانش ادبی قالب شعر: قطعه/ «نیامد» ردیف و «آواز» و «باز» واژه های قافیه است.

نکته زبانی «مرغ سحر» مناداست و در منادا همیشه یک فعل به قرینهٔ معنایی حذف شده است./ «سوخته» صفت جانشین اسم است و بنابراین اسم است و نقش «مضاف الیه» دارد./ وابستهٔ وابسته: آن سوخته را جان = جان آن سوخته (آن: صفت مضاف الیه) (← شمارهٔ ۲۲۰ دستور) (نهایی ۱۴۰۳)/ «را» در بیت اول، نشانهٔ فک اضافه و در بیت دوم، حرف اضافه است./ مرجع ضمیر «ش» در مصراع سوم، «خدا» است. بیت اول چهار جمله است: ۱- ای مرغ سحر ۲- عشق ز پروانه بیاموز ۳- کان سوخته را جان شد ۴- آواز نیامد.

؟ تو امتحان چه جوری میاد ۱ نقش دستوری کلمهٔ «سوخته» چیست؟ ۲ نوع «را» در «کان سوخته را جان شد» از چه نوعی است؟ ۳ فعل «شد» در عبارت «کان سوخته را جان شد» اسنادی است یا غیر اسنادی؟ ۴ مفهوم نمادین پروانه و بلبل را بیان کنید. ۵ مفهوم بیت دوم چیست؟



کارگاه متن پژوهی^۱

قلمرو زبانی

۱- جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

دارای نشان پیامبری	وسیم
شادی بخش	مفرح
به خدای تعالی بازگشتن	انابت
قطع کردن مقرری	بریدن وظیفه

۲- سه واژه در متن درس بیابید که هم‌آوای آن در زبان فارسی وجود دارد.

✓ **پاسخ** ۱- قربت: نزدیکی ← غربت: دوری، بیگانگی ۲- حیات: زندگی ← حیا: محو طه جلوی ساختمان

۳- منسوب: نسبت داده شده ← منصوب: نصب شده ۴- خوان: سفره ← خان: رئیس، سرور

۵- بحر: دریا ← بهر: سهم و نصیب، بهره

۳- از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

✓ **پاسخ** ح: تحفه، حیات، جلیه/ق: باسق، قربت، مستغرق/ع: تضرع، مطاع، اعراض

۴- در عبارت مقابل، نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید. «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

✓ **پاسخ** بوی گل، من را چنان مست کرد که دامن از دست من رفت.

مفعول

مضاف‌الیه

۵- در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید.

✓ **پاسخ** الف) هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات [است] ← حذف به قرینه لفظی

ب) واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب [هستند] ← حذف به قرینه معنایی

قلمرو ادبی

۱- واژه‌های مشخص شده نماد چه مفاهیمی هستند؟ «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه پیاموز/ کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

✓ **پاسخ** مرغ سحر: نماد عاشقان و عارفان مدعی و دروغین پروانه: نماد عارف و عاشق حقیقی بی‌ادعا

۲- با توجه به عبارت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

■ باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

■ فزاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.

الف) آرایه‌های مشترک دو عبارت را بنویسید.

✓ **پاسخ** سجع: عبارت اول: رسیده و کشیده - عبارت دوم: بگسترد و پیرورد

تشبیه: عبارت اول: باران رحمت، خوان نعمت - عبارت دوم: فزاش باد، دایه ابر، بنات نبات، مهد زمین

ب) قسمت مشخص شده بیانگر کدام آرایه ادبی است؟

✓ **پاسخ** استعاره: فرش زمردین استعاره از سبزه‌هاست.

قلمرو فکری

۱- معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

■ عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عتدناک حق عبادتک.

✓ **پاسخ** معنی: عبادت‌کنندگان بارگاه پرشکوه خداوند به کوتاهی در عبادت خود اعتراف می‌کنند و می‌گویند: آن چنان که شایسته تو بود، تو را عبادت نکردیم.

مفهوم: ناتوانی انسان در عبادت‌کردن شایسته خداوند

■ یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

✓ **پاسخ** معنی: یکی از عارفان در حال تفکر عارفانه و توجه کامل به حق بود و در عالم کشف حقایق عرفانی غرق شده بود.

مفهوم: غرق عالم معنویت شدن

۲- مفهوم کلی مصراع‌های مشخص شده را بنویسید.

■ ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

✓ **پاسخ** کسب روزی و غافل نشدن از یاد خداوند رزاق

۱. مطابق بخش نامه دبیرخانه راهبری ادبیات فارسی و نیز روال معمول امتحانات نهایی، برخی موارد غیر ضروری در کارگاه‌های متن پژوهی QR code کرده ایم. اگر در مفاد بخش نامه تغییری ایجاد شد، با یک اسکن ساده به تمام این موارد دسترسی خواهید داشت.





■ چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟

✓ پاسخ کسی که پیامبر حامی و پشتیبانش باشد آسیب نمی بیند.

■ گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز؟

✓ پاسخ وصف ناپذیری خدا / سکوت عارف حقیقی

۳- از کدام سطر درس، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است؟

■ هیچ نقاشی نمی بیند که نقشی برکشد وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده ای

✓ پاسخ واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که ما عرفناک حق معرفتک.

لغت کلک: قلم، نی / بنان: سرانگشت، انگشت

مفهوم حیرت و سرگشتگی در برابر معشوق / توصیف ناپذیر بودن خداوند

آرایه کلک از بنان کسی افکندن: کنایه از کسی را دچار نهایت حیرت و اعجاب کردن

معرفی درس

«گمان» متنی برگرفته از کتاب «کلیله و دمنه»، ترجمه نصرالله منشی است. (نهایی ۱۴۰۴) نویسنده در این متن با بیان حکایتی زیبا، عاقبت ناگوار مقایسه نابجا را به خواننده گوشزد می کند.

تحلیل و بررسی گنج حکمت: «گمان»



گویند که بطی در آب روشنائی ستاره می دید، پنداشت که ماهی است؛ قصدی می کرد تا بگیرد و هیچ نمی یافت.

لغت بَطّ: اردک، مرغابی

مفهوم سعی بی فایده

چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت.

لغت فرو گذاشتن: رها کردن

مفهوم ناامیدی از سعی و تلاش بسیار

دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنائی است، قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.

لغت قصد پیوستن: تلاش کردن، آهنگ کردن / ثمرت: ثمره، نتیجه / تجربت: تجربه

مفهوم عاقبت مقایسه نابجا و در نتیجه سستی و ترک تلاش



۳۹- معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

(نهایی شهریور ۱۴۰۰)

ب) وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

ج) در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و صفوت آدمیان.

(نهایی شهریور ۱۴۰۲)

د) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

۴۰- معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) ما را چه تحفه کرامت کردی؟

ب) بازش بخواند، باز اعراض فرماید.

ج) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

۴۱- در هر یک از عبارت‌های زیر، معنی درست قسمت مشخص شده را بنویسید.

الف) در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان، محمد مصطفی (ص) ...

ب) وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

ج) عصا تکی به قدرت او شهد فایق شده.

۴۲- کدام معنی از واژه «منت» در عبارت «منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است» بر نمی آید؟

الف) شکر

ب) نیکویی

ج) رحمت

د) سپاس

۴۳- معنی درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) هر نفسی که فرومی رود، ممد حیات است و چون برمی آید، مفرح ذات. (شاد شده - شادی بخش)

ب) وان که دید از حیرتش کِلک از تبان افکنده ای. (دستان - سرانگشت)

۴۴- برای هر یک از واژگان روبه‌رو از عبارت زیر، معادل معنایی مناسب بیابید و بنویسید. الف) رز: (ب) بالیده:

«عصا تکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.»

۴۵- معنی واژه مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟ معنای صحیح آن را بنویسید.

الف) شفیع مطاع نبی کریم (پیام آور)

ب) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده. (آغاز)

۴۶- معنی واژه مشخص شده در کدام گزینه درست است؟

الف) در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات. (کتاب)

ب) هر نفسی که فرومی رود، ممد حیات است. (ادامه دهنده)

ج) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف. (اقرار کننده)

د) دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد. (مادر)

۴۷- معنی درست واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«شفیع مطاع نبی کریم قسیم جسیم نسیم وسیم»

الف) پایمرد، فرمانروا، صاحب جمال، دارای نشان پیامبری

ب) شفاعت کننده، فرمانبردار، زیباروی، نشانه پیامبری

۴۸- «نسبت داده شده، ناپسند، اطاعت شده، رُستنی» به ترتیب معنای واژگان ذکر شده در کدام گزینه است؟

الف) منسوب، منکر، مطاع، نبات

ب) منصوب، منکر، مطاع، نبات

ج) منسوب، منکر، مطاوعت، نبات

۴۹- واژه «انابت» در عبارت «دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جل و علا بردارد» در کدام معنا به کار نرفته است؟

الف) توبه

ب) بازگشت به سوی خدا

ج) زاری کردن

د) پشیمانی

۵۰- در کدام گزینه کلمه جمع به کار نرفته است؟

الف) چون به درخت گل رسم، دامنی پرکنم هدیه اصحاب را.

ب) باز اعراض فرماید، بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.

ج) دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

د) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

۵۱- مترادف واژه «فایق» در عبارت «عصا تکی به قدرت او شهد فایق شده» کدام کلمه در متن زیر است؟

«مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان، محمد مصطفی (ص) ...»

۵۲- واژه «کرامت کردن» در عبارت «از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟» با کدام کلمه در بیت مترادف است؟

«همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی»

۵۳- جای خالی را با انتخاب کلمه مناسب پر کنید.

در اصطلاح عرفانی، «.....» نگاه داشتن دل است از توجه به غیر حق.

الف) انابت

ب) مکاشفت

ج) مراقبت

د) اجابت





(نهایی خرداد ۹۸)

(نهایی خارج از کشور ۱۴۰۰)

۵۴- برابر معنایی درست هر یک از توضیحات زیر را از داخل کمانک برگزینید.

- الف) حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد. (معاملت - انبساط)
 ب) کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت بپردازند. (عاکفان - واصفان)
 ج) جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن، دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند. (خَلْعَت - قبا)
 ۵۵- معادل درست هر یک از توضیحات زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- الف) کمال توجه بنده به حق و یقین بر این که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست. (مراقبت - مکاشفت)
 ب) کسی که دیگری فرمان او را می‌برد. (مطاع - مطیع)

۵۶- برای هر یک از معانی ذکرشده در گروه «الف»، از عبارات گروه «ب» واژه معادل بیابید و بنویسید.

«الف»	«ب»
۱- خوشبو	الف) خوان نعمت بی دریغش همه‌جا کشیده.
۲- برگ	ب) عصا‌ه‌ تاکی به قدرت او شهد فایق شده.
۳- وجه معاش	ج) درختان را به خَلْعَت نوروزی قبا‌ی سبز ورق در برگرفته.
۴- سفره فراخ	د) قسیمی جسیم نسیم و سیم
۵- افشره	ه) وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

۵۷- با توجه به عبارات، در کدام گزینه واژه‌ای نادرست معنی شده است؟

- الف) در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و تتمه دور زمان. (کاینات: همه موجودات جهان / مفخر: مایه افتخار / تتمه: باقی مانده)
 ب) پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد. (ناموس: آبرو، شرافت / فاحش: واضح / وظیفه: عهده و مسئولیت)
 ۵۸- در عبارت و بیت زیر بین کلمات و رابطه معنایی تناسب برقرار است.

الف) چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

ب) شفیخ مُطاع نَبی کریم قَسیم جَسیم نسیم و سیم

۵۹- کدام واژه در بیت زیر با یکی از واژه‌های بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری» رابطه معنایی «تضاد» برقرار می‌کند؟

«شفیخ مُطاع نَبی کریم قَسیم جَسیم نسیم و سیم»

۶۰- برای همه معانی ارائه شده به جز، در عبارات زیر معادل معنایی یافت می‌شود.

خوش اندام - زیور - التماس کردن - سرگشتگی - روی گردانی - بخشیدن - افزونی

- بار دیگرش به تضرع بخواند.
 ■ به شکر اندرش مزید نعمت
 ■ ما را چه تحفه کرامت کردی؟
 ■ واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب.
 ■ قسیم جسیم نسیم و سیم

۶۱- معنی واژه‌های مشخص شده را با توجه به واژه‌نامه کتاب درسی کامل کنید.

- الف) اطفال شاخ را به دوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده. (آمدن،، فرارسیدن)
 ب) بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد (.....، کوتاهی، کوتاهی کردن)
 ۶۲- با توجه به متن زیر، برای حرف «به» به ترتیب، در کدام گزینه معادل معنایی مناسبی ذکر شده است؟

«برده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد. درختان را به خلعت نوروزی قبا‌ی سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به دوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

- الف) به سبب - به خاطر - به عنوان - به واسطه
 ب) به خاطر - به سبب - به خاطر - به منزله
 ۶۳- با توجه به واژه‌های زیر، در گروه «الف» معنای عدد «درست» ذکر شده و در گروه «ب» معنای عدد «نادرست» است.

الف) فراش: گسترنده فرش - کابینه: موجود - فایق: بالیده - معاملت: احکام و عبادات شرعی - زمردین: سنگ قیمتی - مهد: گهواره
 ب) تاک: انگور - عزوجل: گرامی - مکاشفت: پی بردن به حقایق - دُجی: بلندمرتبه - دریغ: مضایقه - کلک: دوات

املا‌ی واژه

۶۴- با توجه به معنا، املا‌ی کدام واژه درست نیست؟

الف) باسق: بلند ب) قربت: نزدیکی ج) قسیم: صاحب جمال د) فایغ: برتر

۶۵- با توجه به معنا، کدام واژه املا‌ی نادرستی دارد؟

الف) تضرع: زاری کردن ب) اعراض: روی گرداندن از کسی یا چیزی
 ج) هلیه: زیور د) تحیر: سرگشتگی

۶۶- کلمات کدام گزینه برای تکمیل عبارت زیر مناسب است؟

«هر نفسی که فرومی‌رود، ممد است و چون برمی‌آید، ذات.»

الف) حیات - مفزع ب) حیات - مفزه ج) حیات - مفزع





۶۷- املای درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) واصفان جلیهٔ جمالش به تحیر (منسوب - منسوب).

ب) همه از (بهر - بحر) تو سرگشته و فرمانبردار

۶۸- در کدام گزینه غلط رسم الخطی دیده می‌شود؟

الف) عذر به درگاه خدای آورد

ج) قَسیم جَسیم نَسیم و سیم

۶۹- املای صحیح کلمه را انتخاب کنید.

الف) شفیغ (مناغ - مطاغ) نبی کریم

ب) هرکه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار دست (انابت - عنابت) به امید اجابت به درگاه حق بردارد، ...

ج) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و (خان - خوان) نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

۷۰- در کدام گزینه غلط املایی دیده می‌شود؟

الف) پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبرد.

ب) عصأ تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

ج) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بهر مکاشفت مستغرق شده.

د) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

۷۱- با توجه به معنا، کدام کلمه از نظر املایی متناسب و معادل با قسمت مشخص شده در بیت زیر است؟

«ورنه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد» (بگذارد - بگذارد)

۷۲- کدام گزینه فاقد غلط املایی است؟

الف) درختان را به خلعت نوروزی قباى سبزورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

ب) طاعتش موجب غربت است و به شکراندرش مزید نعمت.

ج) یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی ما را چه تهفه کرامت کردی؟

د) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بهر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

۷۳- در کدام یک از گزینه‌های زیر، غلط املایی وجود دارد؟ درست آن را بنویسید.

الف) عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان جلیهٔ جمالش به تحیر منسوب.

ب) سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و سفوت آدمیان و تنمّهٔ دور زمان.

۷۴- در گروه کلمات زیر، «غلط‌های املایی» را بیابید و شکل صحیح آن‌ها را بنویسید.

اعراض و روی‌گردانی - تحفه و ارمقان - صفوت و برگزیده - شهد و عصاره - تنمّه و مایع تمام و کمال -
آکفان و واصفان - مضمون ضمیر - وجع معاش و مقرری - مستغرق بحر مکاشفت

۷۵- در متن زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟

«عصأ تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته. هرکه که یکی از بنده‌گان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت

به درگاه حق جل و علا بردارد، ایزد تعالی در او نذر نکند. بازش بخواند، باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تززع و زاری بخواند. عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت

معترف و واصفان جلیهٔ جمالش به تحیر منسوب.»

الف) چهار ب) سه ج) دو د) یک

ترکیب

۷۶- از چهار گزینهٔ زیر در دو گزینه، نادرستی املایی وجود دارد؛ آن دو را بیابید.

الف) رزق مقرز - گناه فاحش - موسم ربیع - قباى سبزورق

ج) بحر مکاشفت - عز و ذل - مُفرح ذات - بط و مرغابی

دستور زبان

۷۷- در کدام یک از گزینه‌های زیر، واژه‌ای به کار رفته که در زبان فارسی «هم‌آوا» دارد؟ هم‌آوای آن را بنویسید.

الف) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

ب) یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

۷۸- در هر یک از عبارت‌های زیر، واژه‌ای را بیابید که در زبان فارسی «هم‌آوا» داشته باشد.

الف) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

ب) واصفان جلیهٔ جمالش به تحیر منسوب.

۷۹- در میان واژگان زیر، کدام واژه‌ها در زبان فارسی «هم‌آوا» ندارند؟ مشخص کنید.

حیات - نَفَس - منکر - صبا - مطاع - منسوب - باسق

(نهایی خرداد ۱۴۰۳)



۸۰- کدام گروه از کلمات زیر، همگی در زبان فارسی «هم‌آوا» دارند؟

الف) نش، قربت، زمین، ثنا، خواست

ب) شبّه، بط، مزید، ثمر، خطا

(نهایی دی ۱۴۰۲)

۸۱- واژه «هم‌آوا» را در عبارت زیر بیابید و مترادف آن را بنویسید.

«مَنّت خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است.»

۸۲- در هر یک از نمونه‌های زیر، افعال حذف شده را بنویسید و نوع حذف هر یک از آن‌ها را تعیین کنید.

الف) پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

ب) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

۸۳- در عبارت «مَنّت خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»:

الف) چند مورد فعل حذف شده است؟

۸۴- نوع حذف فعل (لفظی/معنایی) را در هر یک از ابیات زیر مشخص کنید.

الف) کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار

ب) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

(نهایی شهریور ۱۴۰۲)

(نهایی خرداد ۱۴۰۴)

۸۵- نوع حذف فعل در کدام گزینه «درست» و در کدام گزینه «نادرست» ذکر شده است؟

الف) فُزاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیروند. (لفظی)

☐ درست ☐ نادرست

ب) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبْدناک حَقَّ عِبَادَتک. (معنایی)

☐ درست ☐ نادرست

(نهایی خارج از کشور ۱۴۰۱)

۸۶- نوع «و» را در عبارت «در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب» بنویسید.

۸۷- در ابیات زیر چند مصراع به شیوه بلاغی سروده شده است؟

«گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

عاشقان کشتگان معشوق‌اند برنیاید ز کشتگان آواز»

۸۸- تعداد فعل حذف شده در عبارت «مَنّت خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت» با تعداد فعل حذف شده در کدام عبارت برابر است؟

الف) در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان.

ب) درختان را به خلعت نوروزی قباب سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

ج) هر نفسی که فرومی‌رود، ممدّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرّج ذات.

۸۹- در کدام گزینه، حذف فعل به قرینه «معنایی» صورت نگرفته است؟

الف) عصارة تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسقی گشته.

ب) واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: ما عرفناک حَقَّ معرفتک.

ج) یکی از صاحب‌دان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

د) ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

۹۰- «چون» در کدام گزینه به عنوان «پیوند وابسته‌ساز» به کار نرفته است؟

الف) چون برسدیم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

ب) چه غم دیوارامت را که دارد چون تو پشتیبان؟

ج) هر نفسی که فرومی‌رود، ممدّ حیات است و چون برمی‌آید، مفَرّج ذات.

(نهایی دی ۱۴۰۳)

۹۱- موارد خواسته شده را در عبارت زیر بیابید.

یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

الف) ترکیب وصفی: ب) ترکیب اضافی:

۹۲- موارد خواسته شده را در هر یک از عبارت‌های زیر بیابید.

الف) پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. (تعداد ترکیب وصفی:)

ب) دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیروند. (تعداد ترکیب اضافی:)

۹۳- درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید.

الف) در بیت «عاشقان کشتگان معشوق‌اند/ برنیاید ز کشتگان آواز»، «دو ترکیب اضافی» وجود دارد.

☐ درست ☐ نادرست

ب) «او» به‌کاررفته در مصراع دوم بیت زیر از نوع «ربط» است.

☐ درست ☐ نادرست

«کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار»

۹۴- در بیت «از دست و زبان که برآید/ کز عهده شکرش به در آید؟» زمان فعل‌ها به ترتیب و است.

۹۵- در عبارت زیر فعل‌های شماره و زمانی متفاوت با سایر افعال دارند.

«گفت به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسدیم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

(نهایی خرداد ۱۴۰۴)

۹۶- زمان فعل مشخص شده در بیت «گر کسی وصف او ز من پرسد/ بیدل از بی‌نشان چه گوید باز؟» با فعل کدام عبارت متفاوت است؟

الف) بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند. ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد

۹۷- در عبارت «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت» نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید.





۹۸- نقش ضمیر متصل در کدام گزینه متفاوت با بقیه است؟

- الف) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند
 ج) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که ...
 ب) باردیگرش به تضرع و زاری بخواند.
 د) خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده.

۹۹- نقش دستوری کدام یک از ضمایر متصل در عبارت «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت» با نقش ضمایر متصل در عبارت زیر یکسان است؟
 «دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم.»

۱۰۰- نقش صحیح ضمایر متصل (پیوسته) را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- الف) تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته. (متکم - مضاف‌الیه)
 ب) ایزد تعالی در او نظر نکند. بازش بخواند. باز اعراض فرماید. (مضاف‌الیه - مفعول)
 د) هر یک از نمونه‌های زیر، نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

ب) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

۱۰۲- حرف «را» در هر یک از موارد زیر چه کاربردی دارد؟ از داخل کمانک انتخاب کنید.

- الف) منت خدای را عجز جل که طاعتش موجب قربت است. (حرف اضافه - فک اضافه)
 ب) ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز/ کان سوخته را جان شد و آواز نیامد (نشانه مفعول - فک اضافه)

۱۰۳- نوع حرف «را» را در نمونه‌های زیر بررسی کنید.

الف) باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده.
 ب) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

۱۰۴- نقش دستوری صحیح کلمات مشخص شده را بنویسید.

- الف) باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده.
 ج) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف.
 ب) وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.
 د) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

۱۰۵- نقش همه کلمات مشخص شده در عبارت زیر، در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

«گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟ گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنم پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!»

- الف) متکم، مفعول، مسند، قید، مسند
 ب) مفعول، نهاد، صفت، مسند، قید

۱۰۶- در کدام گزینه تعداد حروف اضافه با تعداد متکم‌ها برابر نیست؟

الف) منت خدای را عجز جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزیت نعمت.

ب) باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده.

۱۰۷- در بیت «از دست و زبان که برآید/ کز عهده شکرش به درآید»:

الف) یک پیوند وابسته‌ساز بیابید و بنویسید.

ب) ضمیر متصل چه نقشی دارد؟

ج) جمعاً چند ترکیب «اضافی» در بیت دیده می‌شود؟

۱۰۸- بیت «کرم بین و لطف خداوندگار/ گنه بنده کرده است و او شرمسار» فاقد نقش دستوری است.

- الف) نهاد
 ب) قید
 ج) مضاف‌الیه
 د) مسند

۱۰۹- نقش کلمه مشخص شده در بیت «کرم بین و لطف خداوندگار/ گنه بنده کرده است و او شرمسار» با نقش کدام کلمه در عبارت زیر یکسان است؟

«اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

۱۱۰- در بیت «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند/ تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»:

الف) نوع «واو» را در هر دو مصراع بررسی کنید.
 ب) زمان فعل مشخص شده را بنویسید.

۱۱۱- در عبارت «دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پرورد»:

الف) «را» در این عبارت به چه معناست؟

۱۱۲- در بیت «گر کسی وصف او ز من پرسد/ بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»

الف) جمله «هسته» و «وابسته» را مشخص کنید.

ب) کدام واژه‌ها در مصراع دوم، به ترتیب نقشی یکسان با کلمات مشخص شده در مصراع اول دارند؟

۱۱۳- مورد ذکر شده در مقابل هر بیت را توضیح دهید.

الف) همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری (جمله «پایه» و «پیرو» در مصراع دوم)

ب) چه غم دیوار آفت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟ (تعداد ترکیب «وصفی» و «اضافی»)

۱۱۴- در عبارت «چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت»:

الف) جمله «پایه» یا «هسته» را مشخص کنید.
 ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

۱۱۵- در عبارت «پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد»:

الف) نقش گروه اسمی مشخص شده را بنویسید.

ب) چند ترکیب وصفی دیده می‌شود؟

ج) زمان افعال را تعیین کنید.



«در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان، محمد مصطفی ...»
 (الف) فعل «است» کاربرد «اسنادی» دارد یا «غیراسنادی»؟
 (ب) نوع «نقش تبعی» را در گروه‌های اسمی مشخص شده به ترتیب بنویسید.

۱۱۷- با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«بنده همان به که ز تقصیر خویش
 عذر به درگاه خدای آورد
 ورنه، سزاوار خداوندی‌اش
 کس نتواند که به جای آورد»

(الف) واژه‌های مشخص شده به ترتیب، چه نقشی دارند؟

(ب) مرجع ضمیر متصل، «بنده» است یا «خداوند»؟

(ج) در بیت دوم، جمله «پیرو» را بیابید.

(د) نقش ضمیر متصل در بیت با نقش ضمیر در عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده» یکسان است؛ آن را بنویسید.

۱۱۸- با توجه به عبارت «منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»:

(الف) دو ضمیر پیوسته «ش» در چه نقشی به کار رفته است؟

(ب) در قسمت مشخص شده کدام ویژگی دستوری و نوشتاری کهن دیده می‌شود؟

(ج) نقش کلمات و ترکیبات «منت»، «خدای» و «موجب قربت» به ترتیب «.....» و «.....» و «.....» است.

(د) واژه «مزید» با کدام دو واژه در بیت زیر نقش دستوری یکسان دارد؟

«عاشقان کشتگان معشوق‌اند برنیاید ز کشتگان آواز»

۱۱۹- با توجه به عبارت «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرو» کدام گزاره نادرست است؟

(الف) هر دو نوع پیوند «وابسته ساز» و «هم پایه ساز» دیده می‌شود.

(ج) «را» هر دو بار، به عنوان «حرف اضافه» به کار رفته است.

(د) واژه‌های مشخص شده، هر دو، نقش «متمم» دارند.

۱۲۰- در عبارت «عصاره تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته»:

(الف) دو واژه نقش «مسند» دارند؛ آن دو را بیابید.

(ب) چند ترکیب وصفی وجود دارد؟

(ج) نقش واژه مشخص شده را بنویسید.

(د) نقش ضمیر جدا و پیوسته را بنویسید.

۱۲۱- با توجه به ابیات زیر:

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»

(الف) ضمیر گسسته «تو» به ترتیب در نقش‌های «نهاد»، «.....» و «.....» به کار رفته است.

(ب) نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

(ج) جمله «پایه» و «پیرو» را در بیت اول مشخص کنید.

(د) در بیت دوم، فعل به قرینه «معنایی» حذف شده است یا «لفظی»؟

ه) کدام نقش تبعی در بیت اول و دوم مشترک است؟

۱۲۲- با توجه به بیت «چه غم دیوار اُمت را که دارد چون تو پشیمان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیمان؟»

(الف) نوع حذف فعل را در بیت بررسی کنید.

(ب) واژه‌های مشخص شده به ترتیب، نقش «نهاد»، «.....» و «.....» دارند.

(ج) واژه‌ای را بیابید که در زبان فارسی «هم‌آوا» دارد.

(د) نقش واژه‌های «آن» و «کشتیمان» را بنویسید.

۱۲۳- با توجه به عبارت زیر، جاهای خالی را پر کنید.

«... باز بخواند، باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند. حق سبحانه و تعالی فرماید: دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و

زاری بنده همی شرم دارم.»

(الف) ضمیر متصل «ش» بار اول و دوم در نقش «.....» و بار سوم و چهارم در نقش «.....» به کار رفته است.

(ب) کلمات و ترکیبات مشخص شده، همگی نقش «.....» دارند.

(ج) نقش هر دو کلمه «دعوت» و «امید» «.....» است.

(د) «واو» به کار رفته در جمله پایانی از نوع «.....» است و کلمه «بسیاری» نقش «.....» دارد.

۱۲۴- کدام مورد با توضیح داخل پرانتز مطابقت ندارد؟

(الف) از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟ (کاربرد فعل غیراسنادی)

(ب) دامنی پرکنم هدیه اصحاب را (کاربرد «را» در معنای حرف اضافه)

(ج) واصفان جلّیة جمالش به تحیر منسوب که: ما عرفناک حق معرفتک (فاقد «مفعول» است.)

(د) پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. («سه» وابسته پیشین وجود دارد.)





۱۲۵- در بیت «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز/ کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»:

الف) فعل مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

ب) بیت چند جمله دارد؟

ج) نقش واژه‌های روبه‌رو را بنویسید. عشق: جان:

د) کدام واژه در مصراع دوم با واژه مشخص شده در عبارت زیر، نقش مشترک دارد؟ آن را بنویسید.

«اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

ه) پیوند «وابسته‌ساز» و «هم‌پایه‌ساز» را مشخص کنید.

۱۲۶- با توجه به عبارت «هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفزح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب.»

کدام گزینه نادرست است؟

الف) موارد مشخص شده به‌ترتیب «ترکیب اضافی، ترکیب اضافی و ترکیب وصفی» هستند.

ب) تعداد جمله‌های ساده و مرکب با هم برابر است.

ج) در دومین جمله هسته، فقط گروه مسندی آمده است.

د) در عبارت فوق تنها یک واژه هم‌آوا به کار رفته است.

۱۲۷- در کدام بیت، نهاد به‌صورت جمله پیرو آمده است؟

الف) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

ب) همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

۱۲۸- با توجه به عبارت «هرگه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جل و غلا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند.» کدام گزاره

درست است؟

الف) واژه «دوتلفظی» یافت نمی‌شود.

ب) صفت «پریشان‌روزگار» به‌عنوان وابسته وابسته به کار رفته است. **نگاهی به آینده**

ج) واژه‌ای به کار رفته که «هم‌آوا» دارد.

د) واژه‌های مشخص شده به‌ترتیب، نقش «نهاد، مفعول و نهاد» دارند.

۱۲۹- نوع وابسته وابسته را در بیت زیر بنویسید. **نگاهی به آینده**

«ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

۱۳۰- در کدام گزینه، ضمیر متصل به‌عنوان «وابسته وابسته» به کار رفته است؟ **نگاهی به آینده**

الف) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

ب) از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید؟

۱۳۱- با توجه به بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند/ کان را که خبر شد، خبری باز نیامد»، درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید.

الف) واژه‌های مشخص شده به‌ترتیب نقش «مضاف‌الیه، مسند و نهاد» دارند. ☐ نادرست ☐ درست

ب) فعل «شد» کاربرد اسنادی دارد و «خبر» مسند است. ☐ نادرست ☐ درست

ج) «را» به‌عنوان حرف اضافه به کار رفته و «آن» متمم است. ☐ نادرست ☐ درست

قلمرو ادبی

تاریخ ادبیات و دانش‌های ادبی

۱۳۲- نویسنده کتاب «گلستان»، است و کتاب «کلیله و دمنه» را ترجمه کرده است.

۱۳۳- کدام یک از آثار مقابل «ترجمه» است؟ (کلیله و دمنه - گلستان)

۱۳۴- عبارت زیر معرف کدام اثر است؟

متن این کتاب نثر آمیخته به نظم است و دیباچه آن - که از بهترین نمونه‌های تحمیدیه در ادب فارسی است - با عبارت زیر آغاز می‌شود:

«مَنْتَ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت ...»

۱۳۵- کدام گزاره کاملاً درست است؟

الف) دیباچه «گلستان سعدی» با نثری مسجع و موزون نگاشته شده است.

ب) کتاب «گلستان» در حوزه ادبیات تعلیمی و کتاب «کلیله و دمنه» در حوزه ادبیات غنایی بررسی می‌شود.

۱۳۶- شعر زیر در چه قالبی سروده شده است؟

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند کان را که خبر شد، خبری باز نیامد»

۱۳۷- در بیت «کرم بین و لطف خداوندگار/ گنه بنده کرده است و او شرمسار» واژه‌های قافیه را مشخص کنید.

۱. **نگاهی به آینده** یعنی هنوز در کتاب فارسی (۲) به درسی که محتوای این سؤال در آن جا آموزش داده می‌شود، نرسیده‌ایم.



(نهایی خرداد ۱۴۰۲)

۱۳۸- در عبارت زیر، واژه‌های مشخص شده پدیدآورنده کدام آرایه ادبی‌اند؟

«باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.»

۱۳۹- واژگان پدیدآورنده آرایه لفظی «سجع» در عبارت زیر کدام‌اند؟

«هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفزع ذات.»

۱۴۰- در همه گزینه‌ها به جز گزینه آرایه «سجع» برقرار است.

الف) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

ب) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

ج) دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم.

۱۴۱- متن زیر آراسته به «جناس» است یا «سجع»؟

«در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان، محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله و سلم، ...»

۱۴۲- در عبارت زیر، کدام یک از ترکیبات مشخص شده، «اضافه تشبیهی» است؟

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیروند.»

۱۴۳- در عبارت «پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.»

الف) «کنایه» را بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

ب) کدام واژگان پدیدآورنده آرایه «سجع»‌اند؟

ج) یک «اضافه تشبیهی» مشخص کنید.

۱۴۴- در همه گزینه‌ها، آرایه «تشخیص» به کار رفته است؛ به جز گزینه

الف) دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیروند.

ج) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

۱۴۵- در عبارت «درختان را به خلعت نوروزی قبا سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

الف) جمعاً چند «اضافه تشبیهی» به کار رفته است؟

ب) شاعر با خلق شبکه معنایی مربوط به «فصل بهار» و هم‌چنین «پوشاک»، آرایه خلق کرده است.

ج) کدام آرایه ادبی به کار نرفته است؟ از داخل کمانک برگزینید. (تشخیص - اغراق - سجع)

۱۴۶- کدام یک از واژه‌های مشخص شده در عبارت زیر، «مشبّه به» است؟

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیروند.»

۱۴۷- آرایه ذکرشده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

الف) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده (استعاره)

ب) تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته. (تشبیه)

ج) هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفزع ذات. (تضاد)

د) هر که که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جل و علا بر دارد. (جناس)

۱۴۸- کدام یک از واژه‌های مشخص شده در عبارت زیر، «مشبّه» نیست؟

«درختان را به خلعت نوروزی قبا سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

۱۴۹- در هر یک از موارد زیر، کدام آرایه ادبی به کار نرفته است؟

الف) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده (سجع - تضاد - تشبیه)

ب) از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید (حس آمیزی - مجاز - کنایه)

۱۵۰- با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

الف) آرایه «مجاز» را در مصراع اول و دوم بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

ب) شاعر در این دو بیت، با اشاره به مضمون آیه‌ای از قرآن، کدام آرایه ادبی را خلق کرده است؟

ج) قسمت مشخص شده پدیدآورنده کدام آرایه ادبی است؟

۱۵۱- با توجه به عبارت زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیروند.»

الف) یک مورد «اضافه تشبیهی» در متن بیابید.

۱۵۲- در بیت زیر، مفهوم «نمادین» پروانه را بنویسید.

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

(نهایی شهریور ۱۴۰۱)

(نهایی دی ۱۴۰۰)

(نهایی خرداد ۱۴۰۱)





۱۵۳- در عبارت «اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده»، مشبّه‌ها با هم چه آرایه‌ای ساخته‌اند؟

(نهایی شهریور ۱۴۰۳)

۱۵۴- قسمت مشخص شده در عبارت زیر بیانگر کدام آرایه ادبی است؟

«به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را»

۱۵۵- آرایهٔ بارز عبارت زیر «تلمیح» است یا «تضمین»؟

«واصفان جلّیلهٔ جمالش به تحیر منسوب که: ما عرفناک حقّ معرفتک.»

۱۵۶- در عبارت «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.» همهٔ آرایه‌ها به جز وجود دارد.

(د) تشبیه

(ج) استعاره

(ب) تضاد

(الف) سجع

(نهایی خرداد ۱۴۰۲)

۱۵۷- در بیت زیر، کاربرد آرایه‌های «تشبیه، مراعات نظیر، تلمیح و» مشهود است.

«چه غم دیوار افت را که دارد چون تو پشتیبان؟
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟»

۱۵۸- آرایهٔ مشترک دو عبارت زیر چیست؟

■ واصفان جلّیلهٔ جمالش به تحیر منسوب.
■ باران رحمت بی حسابش همه را رسیده.

۱۵۹- هر یک از قسمت‌های مشخص شده در عبارات زیر، چه آرایه‌ای پدید آورده است؟

(الف) عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف که ما عبدناک حقّ عبادتک.

(ب) هرکه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حقّ جلّ و علا بردارد، ...

۱۶۰- در عبارت «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد»:

(الف) بین کلمات مشخص شده کدام آرایهٔ ادبی پدید آمده است؟

(ب) چند مورد اضافهٔ تشبیهی شکل گرفته است؟

(ج) ترکیب «فرش زمردین» با کدام کلمه در عبارت زیر، آرایهٔ مشترک دارد؟

«گفت: از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

۱۶۱- برای بیت «شفیع مطاع نبی کریم/ قسیم جسیم نسیم و سیم» دو آرایهٔ ادبی ذکر کنید.

۱۶۲- دو عبارت زیر در داشتن کدام آرایهٔ ادبی مشترک‌اند؟

(الف) واصفان جلّیلهٔ جمالش به تحیر منسوب.

(ب) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده.

۱۶۳- با توجه به متن زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید.

«در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تنمّهٔ دور زمان، محمّد مصطفی، صلی الله علیه و آله و سلّم،

شفیع مطاع نبی کریم قسیم جسیم نسیم و سیم»

(الف) عبارت‌های مشخص شده به ترتیب، به مضمون حدیث و آیهٔ قرآنی دربارهٔ پیامبر اشاره دارند؛ بنابراین آرایهٔ «تلمیح» خلق شده است.

☐ نادرست

☐ درست

☐ نادرست

☐ درست

(ب) سعدی در این بخش از متن با درج بیتی عربی، از آرایهٔ «تضمین» بهره برده است.

۱۶۴- با توجه به ابیات زیر، جاهای خالی را پر کنید.

«گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

عاشقان کشتگان معشوق‌اند برنیاید ز کشتگان آواز»

(الف) واژه‌های مشخص شده در بیت اول، هر دو، آرایهٔ ادبی را پدید آورده‌اند.

(ب) تکرار محسوس صامت /ش/ در بیت دوم، آرایهٔ خلق کرده است.

(ج) واژهٔ «کشتگان» در بیت دوم، آفرینندهٔ کدام آرایهٔ ادبی است؟

(د) عبارت «گوید باز» دو معنا را به ذهن ما تداعی می‌کند: (۱) (۲)؛ پس آرایهٔ دارد.

۱۶۵- با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ آن‌که که از این معاملت بازآمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این

بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟ گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون پرسیدم، بوی گلم چنان

مست کرد که دامنم از دست برفت!»

(الف) آیا در جملهٔ اول «استعاره» وجود دارد؟ چرا؟

(ب) یک مورد «اضافهٔ تشبیهی» بیابید و ارکان آن را مشخص کنید.

(ج) واژه‌ها یا ترکیبات مشخص شده چه آرایه‌ای دارند و هر کدام بر چه مفهومی دلالت دارند؟

(د) جملهٔ «در بحر مکاشفت مستغرق شده»، «کنایه» از چیست؟

(ه) جملهٔ نخست و جملهٔ پایانی یک آرایهٔ بارز مشترک دارند؛ آن را بیابید.

۱۶۶- کدام عبارت، آراسته به «تلمیح» نیست؟

(الف) حق سبحانه تعالی فرماید: یا مَلَأْتُكَ قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِی وَلِیسَ لَهُ غِیرِی فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ.

(ب) عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

(ج) منت خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

(د) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.





۱۶۷- در هر بیت کدام آرایه ادبی داخل کمانک به کار نرفته است؟

- الف) ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد (کنایه - حسن تعلیل - نماد)
 ب) کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار (تضاد - تلمیح - تناقض)
 ۱۶۸- هر یک از آرایه‌های ستون «ب» مربوط به کدام مورد در ستون «الف» است؟ (یک آرایه در ستون «ب» اضافه است).

الف)	ب)
الف) ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز/ کان سوخته را جان شد و آواز نیامد	۱- جناس
ب) عاشقان کشتگان معشوق‌اند/ برنیاید ز کشتگان آواز	۲- تضاد
ج) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.	۳- تشبیه
د) در بحر مکاشفت مستغرق شده بود.	۴- ایهام
	۵- حسن تعلیل

۱۶۹- در کدام بیت «استفهام انکاری» به کار نرفته است؟

- الف) از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید
 ب) چه غم دیوار اُفت را که دارد چون تو پشیمان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان
 ج) ورنه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد
 د) گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز

قلمرو فکری

درک مطلب

۱۷۰- با توجه به عبارت «مَنْتَ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»، عبادت و بندگی خدا و سپاس از او چه نتایجی در پی دارد؟
 ۱۷۱- مفهوم کلی بیت زیر را بنویسید.

«از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید»
 ۱۷۲- با توجه به عبارت زیر «دو» مورد از صفات خداوند را بنویسید.

«باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.»

۱۷۳- در نوشته مقابل: «پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر بُزرد.»

الف) منظور از «وظیفه روزی» چیست؟
 (نهایی دی ۹۹)

۱۷۴- با توجه به بیت «این مدعیان در طلبش بی خبران‌اند/ کان را که خبر شد، خبری باز نیامد»:

الف) منظور از ضمیر «ش» کیست؟

ب) واژه مشخص شده معادل کدام کلمه در بیت زیر است؟

«ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

۱۷۵- با توجه به متن مقابل: «فَراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد»

الف) منظور از قسمت مشخص شده چیست؟

ب) خداوند چه رسالتی را بر عهده هر یک از موارد «باد صبا» و «ابر بهاری» قرار داده است؟
 (نهایی شهریور ۹۹)

۱۷۶- مضمون کلی عبارت زیر چیست؟

«درختان را به خَلْعَتِ نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

۱۷۷- در عبارت «عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته»:

الف) منظور از «تربیت» چیست؟
 ب) مرجع ضمیر «ش» را بنویسید.

۱۷۸- عبارت «در خبر است از سرور کاینات و مَفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان» در وصف پیامبر اکرم (ص) است؛ در کدام بخش از این عبارت به موضوع «خاتم النبیین» بودن آن حضرت اشاره شده است؟

۱۷۹- با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»

الف) مرجع ضمیر «تو» را در مصرع دوم و سوم مشخص کنید.

ب) بیت اول چه چیزی را نکوهش می‌کند؟

ج) کدام قسمت از ابیات، بیانگر مفهوم «کسب روزی» است؟

د) بیت دوم با کدام یک از ابیات زیر ارتباط معنایی دارد؟ مضمون مشترک آن دو را بنویسید.

۱) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

۲) گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش





۱۸۰- براساس عبارت «هر نفسی که فرومی‌رود، مُمِدّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفْرَح ذات»؛

نتیجه نعمت و موهبت «عمل دم»، است و نتیجه موهبت «عمل بازدم»،

۱۸۱- در بیت «بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد»

الف) منظور از «تقصیر» چیست؟

ب) گوینده (سعدی) راه جبران این تقصیر را در چه می‌داند؟

۱۸۲- در بیت «چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟»؛

الف) مقصود از ضمیر «تو» کیست؟

ب) مفهوم کلی مصراع اول چیست؟

۱۸۳- مفهوم عبارت «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ معرفتک» در کدام بیت دیده می‌شود؟

الف) از دست و زبان که برآید کز عهد شکرش به در آید

ب) هیچ نقّاش نمی‌بیند که نقشی برکشد وان که دید از حیرتش، کلک از بنان افکنده‌ای

۱۸۴- بیت روبه‌رو در وصف کیست؟ «شَفِيعُ مُطَاعٍ نَبِيٍّ كَرِيمٍ / قَسِيمٌ جَسِيمٌ نَسِيمٌ وَسِيمٌ»

۱۸۵- «دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جَلّ و غلا - برداشتن» و بیت زیر به کدام مفهوم مشترک تأکید دارند؟

«بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد»

۱۸۶- در بیت «کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است و او شرمسار»؛

الف) مرجع ضمیر «او» کیست؟

ب) گوینده (سعدی) با بیان مصراع دوم، کدام صفت و ویژگی حق تعالی را به شنونده گوشزد می‌کند؟

۱۸۷- با توجه به عبارت «هرگه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق، جَلّ و غلا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند. بازش بخواند، باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند. حق، شُبحانهُ تعالی فرماید: یا مَلَأْتُكَ قَدِ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ.» کدام عامل در پذیرش درخواست بنده خطاکار مؤثر بوده است؟

الف) مداومت بر انابت و استغفار ب) قصد انابت به امید اجابت ج) اظهار تنهایی و بی‌یاوری بنده د) همراهی ملائک با بنده خطاکار

۱۸۸- مفهوم مشترک عبارت و بیت زیر را بنویسید.

■ واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ

■ هیچ نقّاش نمی‌بیند که نقشی برکشد وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

۱۸۹- مفهوم حدیث قدسی «یا مَلَأْتُكَ قَدِ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ» در کدام یک از ابیات زیر نیز آمده است؟

الف) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

ب) کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار

۱۹۰- درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید.

الف) در عبارت «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترند و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیروند»، «باد صبا» نماد پیام‌رسانی است.

☐ درست ☐ نادرست

ب) مفهوم کلی بیت «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری» بیان «کرامت و ارزش وجودی آدمی» است.

☐ درست ☐ نادرست

۱۹۱- با توجه به عبارت «عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: مَا عَبْدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ و واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ»؛

الف) عاکفان به چه امری اقرار و اعتراف دارند؟ چرا؟

ب) واصفان در چه امری خود را حیرت‌زده و سرگشته می‌یابند؟

۱۹۲- در عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جاکشیده. پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر

نیزد» به کدام صفت حق تعالی اشاره نشده است؟

الف) ستاریت ب) رحمانیت ج) قهاریت د) رزاقیت

۱۹۳- با توجه به عبارت زیر از گنج حکمت «گمان» چه عامل یا عواملی باعث بی‌بهرگی و ناکامی شده است؟

«دیگر روز هرگاه ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نیبوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.»

۱۹۴- با توجه به بیت «گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»؛

الف) منظور شاعر از کلمات مشخص شده، به ترتیب، چیست؟

ب) کدام کلمات در مصراع دوم، به ترتیب، هم‌ردیف واژه‌های «من» و «او» در مصراع اول هستند؟

ج) مفهوم کلی بیت «عجز انسان از سپاسگزاری حق» است یا «سکوت و تحیر عارفانه»؟

۱۹۵- با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ آن‌گه که از این معامله بازآمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان

که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

الف) منظور از «سر به جیب مراقبت فرو برده بود» چیست؟

ب) کدام بخش از متن بیانگر مفهوم «پی بردن به حقایق» است؟

ج) مقصود از «معاملت» در متن درس همان «.....» است.

د) منظور از «به طریق انبساط» چیست؟

(نهایی خرداد ۱۴۰۰)





۱۹۶- با توجه به دو بیت زیر، کدام گزاره «درست» است؟

«گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز
عاشقان کشتگان معشوق‌اند برنیاید ز کشتگان آواز»

الف) «من، بی‌دل، کشتگان» معادل «عاشق» و «او، بی‌نشان» معادل «معشوق» است.
ب) «کسی، من، بی‌نشان» معادل «عاشق» و «او، بی‌دل، کشتگان» معادل «معشوق» است.

۱۹۷- با توجه به بیت زیر،

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»
الف) مراد از «مرغ سحر» و «پروانه» چیست؟

ب) منظور از «سوخته» در مصراع دوم چیست؟ «مرغ سحر» یا «پروانه»؟

ج) «شدن جان» کنایه از چیست؟

د) از نظر گوینده، ویژگی بارز عاشق حقیقی است.

۱) پاکبازی، بی‌ادعایی و سکوت

۲) ذکرو سرمستی

۱۹۸- مفهوم مشترک بیت‌های زیر را بنویسید.

الف) عاشقان کشتگان معشوق‌اند برنیاید ز کشتگان آواز
ب) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

۱۹۹- مفهوم نهایی عبارت «وظیفه روزی به خطای منگر نبرد» از همه گزینه‌ها به جز گزینه دریافت می‌شود.

الف) عذرپذیرنده تقصیرها ب) گرم‌های تو ما را کرد گستاخ ج) زبانم را ثنای خود درآموز د) روزبرآرنده روزی خوران

۲۰۰- هر یک از مفاهیم «کمال عفو الهی، پیروی از پروردگار، رازداری عارفانه، یکتایی و بی‌مانندی پروردگار» از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

الف) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند کان را که خبر شد خبری باز نیامد
ب) کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار
ج) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی
د) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

۲۰۱- با توجه به عبارت «به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم دامنی پرکنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت»:

الف) منظور از قسمت‌های مشخص شده به ترتیب چیست؟

ب) «رسیدن به درخت گل» وصف چه حالتی است؟

ج) عبارت «دامنم از دست برفت» کنایه از چیست و چه حال و مرتبه عرفانی را توصیف می‌کند؟

۲۰۲- در بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند/ کان را که خبر شد، خبری باز نیامد»:

الف) واژه «خبر» در چه مفهومی به کار رفته است؟ ب) مصراع دوم بیانگر کدام حالت و مرتبه عرفانی است؟

۲۰۳- با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ آن‌گاه که از این معامله بازآمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این

بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

الف) «کرامت» در مفهوم عرفانی به کار رفته یا غیرعرفانی؟

ب) قسمت مشخص شده بازگویی کلام «یک عارف حقیقی و دل‌آگاه» است یا «سالکی ناپخته و ناآگاه»؟

ج) برای واژگان مشخص شده در بیت زیر، از متن واژگان معادل مفهومی بیابید و بنویسید.

«ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

ترکیب

(نهایی شهریور ۱۴۰۳)

۲۰۴- جمله «پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد» با کدام بخش از بیت زیر ارتباط مفهومی دارد؟

همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی	همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی
۱	۲
۳	۴

(نهایی دی ۱۴۰۳)

۲۰۵- کدام بیت با عبارت «واصفان جلّیه جمالش به تحیر منسوب که: ما عرفناک حق معرفتیک» ارتباط مفهومی دارد؟

الف) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
ب) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی

یک گام فراتر

۲۰۶- مفهوم جمله «مَنّت خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است» را با مصراع اول بیت زیر بررسی کرده و مفهوم مشترک را بنویسید.

«به طاعت قرب ایزد می‌توان یافت قدم درنه گرت هست استطاعت»

۲۰۷- مفهوم عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده» از کدام گزینه دریافت می‌شود؟

الف) همه جایی و هیچ جای نه ب) بر تو پوشیده نیست راز کسی ج) هم نوازش و هم نوازنده





۲۰۸- معنی دقیق و درست بیت زیر در گزینه آمده است.

«شَفِیعُ مُطَاعٌ نَبِیِّ کریم قَسِیمُ جَسِیمُ نَسِیمُ وَ سِیم»

الف) او (پیامبر) شفاعت کننده، فرمانروا، پیام آور، بخشنده، صاحب جمال، خوش اندام، خوشبو و دارای نشان پیامبری است.

ب) او (پیامبر) شفاعت کننده، فرمانبردار، پیغمبر، بزرگوار، زیبا، خوش اندام، خوش خلق و دارای نشان پیامبری است.

۲۰۹- معنی صحیح و کامل آیه ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ﴾ در کدام گزینه آمده است؟

الف) ای خاندان داوود، سیاست گزاری، حال آن که اندکی از اعمال عبادی پذیرفته می شود.

ب) ای خاندان داوود، شکرگزاری کنید، حال آن که عده کمی از بندگان من سپاسگزارند.

۲۱۰- معنی ذکر شده در مقابل کدام عبارت درست است؟

الف) مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ: تو را چنان که سزاوار شناسایی توست، نشناختیم.

ب) لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ: با این که او بیگانه است، او را می آمرزم.

ج) مَا غَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ: تو را چنان که شایسته است، پرستش نکردیم.

د) بَلَغَ الْعُلَى بِكَمَالِهِ، كَشَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ: (پیامبر) به واسطه کمال خود به مرتبه بلند رسید و با جمال نورانی خود، تاریکی ها را زدود.

■ معنی سروده های زیر را به نثر روان بنویسید.

۲۱۱- کرم بین و لطف خداوندگار

۲۱۲- از دست و زبان که برآید

۲۱۳- بنده همان به که ز تقصیر خویش

۲۱۴- ورنه سزاوار خداوندی اش

۲۱۵- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

۲۱۶- همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

۲۱۷- گر کسی وصف او ز من پرسد

۲۱۸- ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز

۲۱۹- این مدعیان در طلبش بی خبرانند

■ معنی عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

۲۲۰- تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

۲۲۱- عصا را تاکی به قدرت او شهید فایق شده.

۲۲۲- منت خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

۲۲۳- هر نفسی که فرومی رود ممد حیات است و چون برمی آید، مفزَح ذات.

۲۲۴- پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

۲۲۵- فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

۲۲۶- یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

۲۲۷- بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.

۲۲۸- دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد.

۲۲۹- دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم.

۲۳۰- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف.

۲۳۱- واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب.

۲۳۲- خوان نعمت بی دریغش همه جاکشیده.

۲۳۳- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده.

۲۳۴- درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته.

۲۳۵- اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

■ معنی و مفهوم قسمت های مشخص شده اشعار و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

۲۳۶- عاشقان کشتگان معشوق اند برنیاید ز کشتگان آواز

۲۳۷- هر نفسی که فرومی رود ممد حیات است و چون برمی آید مفزَح ذات.

۲۳۸- چه غم دیوار امت را که دارد چون توپش تیان؟ چه باک از موج بحر آن را که نوح باشد کشتیان؟

۲۳۹- هیچ نقاش نمی بیند که نقشی برگشد وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده ای

۲۴۰- بازش بخواند، باز اعراض فرماید.

۲۴۱- در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و صفوت آدمیان و تنمۀ دور زمان، محمد مصطفی (ص) ...

۲۴۲- از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟

۲۴۳- بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

(نهایی شهریور ۱۴۰۰)

(نهایی دی ۹۹)

(نهایی شهریور ۱۴۰۱)

(نهایی خرداد ۱۴۰۲)

(نهایی شهریور ۱۴۰۲)

(نهایی خرداد ۱۴۰۱)

(نهایی خرداد ۱۴۰۳)

(نهایی شهریور ۱۴۰۳)

(نهایی دی ۱۴۰۳)

(نهایی خرداد ۱۴۰۴)





در گزینۀ (ب) معنی واژه **مطیع** است. / نبی: پیغمبر، پیام آور، رسول / قَسیم: صاحب جمال / جَسیم: خوش اندام / نسیم: خوشبو / وَسیم: دارای نشان پیامبری

۴۸ گزینۀ (الف): منسوب: نسبت داده شده (منسوب یعنی نصب شده، گماشته) / مُنکر: زشت، ناپسند (مُنکر یعنی انکارکننده) / مُطاع: فرمانروا، اطاعت شده (مطاع یعنی فرمانبری، اطاعت) / نَبات: گیاه، رُستنی (نبات جمع بنت است، یعنی دختران.)

۴۹ گزینۀ (ج): یا زاری کردن: «زاری کردن، التماس کردن» معنی واژه **تضرع** است. متع ما توی این بخش، فقط و فقط معنی یا معانی ذکر شده برای واژه توی واژه نامه است.

۵۰ گزینۀ (ب): در سایر عبارات، واژه های اصحاب (جمع صاحب)، نبات (جمع) و اطفال (جمع طفل) به عنوان واژه های جمع به کار رفته اند.

توضیح بیشتر: «قدوم» در عبارت (د) واژه جمع نیست. این واژه معنای مصدری دارد و به معنی «قدم نهادن، فرارسیدن و آمدن» است. («أقدام» جمع قدم است نه قدوم!)

۵۱ صَفوت: فایق به معنی «برگزیده، برتر» است و صفوت هم در عبارت مورد پرسش به معنی «برگزیده، برگزیده از افراد بشر» به کار رفته است.

۵۲ جود: «کرامت کردن» یعنی عطا کردن و بخشیدن. «جود» هم به معنی «بخشش و کرم» است.

۵۳ گزینۀ (ج): یا مراقبت: «مراقبت» در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق است و یقین بر این که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق.

معنی سایر واژه ها: گزینۀ (الف): انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی
گزینۀ (ب): مکاشفت: کشف و آشکار ساختن؛ در اصطلاح عرفانی بی بردن به حقایق است.
گزینۀ (د): اجابت: پذیرفتن، قبول کردن

توجه: حتماً و حتماً توضیح مربوط به واژه ها به ویژه واژه های عرفانی «مراقبت، مکاشفت و معاملات» را خوب به خاطر بسپارید.

۵۴ (الف) انبساط: «خودمانی شدن» از معانی دیگر انبساط است. معاملات یعنی اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی.

(ب) عاکفان: «عاکفان» جمع عاکف است. واصفان جمع واصف است؛ یعنی وصف کنندگان، ستاینندگان.

(ج) قبا: خلعت: جامه دوخته که بزرگی به کسی بخشد.

۵۵ (الف) مراقبت: «مکاشفت» به معنی کشف و آشکار ساختن و در اصطلاح عرفانی «بی بردن به حقایق» است.

(ب) مُطاع: گفتیم که «مطیع» یعنی فرمانبر و فرمانبردار

۵۶ ۱- د (نسیم) / ۲- ج (ورق) / ۳- هـ (وظیفه) / ۴- الف (خوان) / ۵- ب (عصاره)

۵۷ گزینۀ (ب): وظیفه در این عبارت به معنی «مقرری، وجه معاش» است؛ وظیفه روزی: رزق مقرر و معین

۵۸ «بو» و «نسیم»: نسیم به معنی «خوشبو، بویا» است.

۵۹ «مُطاع»: مُطاع به معنی «فرمانروا و اطاعت شده» است؛ این واژه با واژه «فرمانبردار» تقابل و تضاد معنایی دارد.

۶۰ روی گردانی: «روی گردانی، روی گرداندن از کسی یا چیزی» معنی واژه **اعراض** است که این واژه، در هیچ کدام از نمونه عبارات ارائه شده نیامده است.

بررسی سایر معانی: «خوش اندام» ← جَسیم / «زیور» ← جَلیه / «التماس کردن» ← تضرع / «سرگشتگی» ← تحیر / «بخشیدن» ← کرامت کردن / «افزونی» ← مزید

۶۱ (الف) قدم نهادن

(ب) گناه: ریدین که لازمه همه معانی به واژه رو بلد باشین!

۶۲ گزینۀ (الف): معنای عبارت: «پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد» ← [خداوند] آبروی بندگان را به سبب (به خاطر) گناه زشت و آشکار آنان نمی ریزد و رسوایشان نمی کند.

«وظیفه روزی به خطای منکر نبرد» ← [خداوند] رزق مقرر بندگان را به دلیل (به سبب) گناه و خطای ناپسند آنان قطع نمی کند.

«درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته» ← [خداوند] به عنوان خلعت نوروزی (الباس عید) بر تن درختان، جامه سبزرنگی از برگ پوشانده است.

«اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده» ← [خداوند] به واسطه فرارسیدن فصل بهار، بر سر شاخه های کوچک درختان کلاهی از شکوفه نهاده است.

درس یکم: شکر نعمت



۳۹ (الف) باسق: بلند، بالیده **(ب)** مُنکر: زشت، ناپسند

(ج) صَفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر **(د)** جیب: گریبان، یقه
توجه: با این که «جیب» در واژه نامه کتاب درسی معنی نشده، اما واژه مهمی است و در بحث واژگان مترادف در درس های بعدی کاربرد دارد؛ پس معنی آن را خوب به خاطر بسپارید.
توضیح بیشتر: واژه «مُنکر» را با واژه مُنکر (= انکارکننده، ناباور) اشتباه نگیرید.

۴۰ (الف) هدیه، ارمغان
(ب) روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی
(ج) بهار

۴۱ (الف) مایه تمامی و کمال گردش روزگار و دور زمان رسالت
(ب) رزق مقرر و معین **(ج)** غسل خالص

۴۲ گزینۀ (ج): یا رحمت
توجه: گفتیم که ما در معنی واژگان، دقیقاً مطابق واژه نامه کتاب درسی عمل می کنیم؛ یعنی برای واژه فقط همان معنی یا معانی ای را که در واژه نامه ذکر شده است در نظر می گیریم.

۴۳ (الف) شادی بخش؛ تلفظ صحیح این کلمه «مُفَرِّح» است به معنی «فرح انگیز، شادی بخش».

(ب) سرانگشت: «بَنان» به معنی «انگشت» نیز هست. توجه کنید «ان» در «بَنان» نشانه جمع نیست.

۴۴ (الف) رَز: تاک؛ هر دو به معنی «درخت انگور» هستند.
(ب) بالیده ← باسق

۴۵ گزینۀ (ب): موسم: فصل، هنگام، زمان
۴۶ گزینۀ (ج): یا معترف: «معترف» به معنی «اقرارکننده، اعتراف کننده» است.

بررسی سایر گزینۀ ها: گزینۀ (الف): خبر: حدیث، روایت
گزینۀ (ب): مُمَد: مددکننده، یاری رساننده

گزینۀ (د): دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می دهد یا از او پرستاری می کند.

۴۷ گزینۀ (الف): معنی صحیح واژه های بیت براساس واژه نامه: شفیع: شفاعت کننده، پیامبر / مُطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می برد («فرمانبردار»



۶۳ چهار: سه؛ فلی هواستون به فواسه صورت سوال باشه بپه‌ها

در گروه (الف) واژه‌های «فایق» و «زمرّدین» نادرست معنی شده‌اند که معنای صحیح آن‌ها به ترتیب «برگزیده، برتر» و «منسوب به زمرّد، سبزرنگ» است. «بالیده» از معانی واژه باسق است. واژه زمرّد هم به معنی «سنگ سبزرنگ قیمتی» است.

در گروه (ب)، واژه‌های «تاک»، «دُجی» و «کَلک» نادرست معنی شده‌اند که معنای درست آن‌ها به ترتیب «درخت انگور، رز»، «تاریکی‌ها» و «هر نی میان تهی، قلم» است.

توجه: هنگام معنی کردن واژه به مفرد یا جمع بودن آن دقت کنید. اگر واژه جمع باشد، باید جمع معنا شود و اگر مفرد باشد؛ مثل واژه کاینه که مفرد «کائنات» است، باید مفرد معنی شود.

۶۴ گزینه (د): فایق: املای صحیح این کلمه، فایق (= برگزیده، برتر) است.

۶۵ گزینه (ج): هلیه: املای صحیح این واژه، حلیه (= زیور، زینت) است.

۶۶ گزینه (ج): یا حیات - مُفرَح: حیات به معنی «زندگی» و مُفرَح به معنی «شادی بخش و فرح‌انگیز» صحیح است.

۶۷ (الف) منسوب: سعدی می‌فرماید: وصف‌کنندگان زیور و زینت زیبایی خداوند دچار سرگشتگی شده و متحیرانه می‌گویند که: ... «منسوب» (نسبت داده شده) برای این عبارت صحیح و مناسب است، چرا که قاعدتاً کسی را به حالت تحیر (سرگشتگی) نسبت می‌دهند و منسوب می‌کنند.

(ب) بهر: «بهر» یعنی «برای». بحر (= دریا) تناسبی با معنای این بیت ندارد.

توجه: به معنا و کاربرد املایی «منسوب» و «منسوب» دقت کافی داشته باشید. **منسوب** از ریشه نسب به معنای «نسبت داده شده، مربوط و وابسته» است و **منسوب** از ریشه نصب و در معنای «نصب شده، گماشته شده و تعیین شده» به کار می‌رود. هرگاه صفت، خصلت، حالت یا اثری را به کسی نسبت بدهند از «منسوب و انتساب» استفاده می‌کنند و هرگاه چیزی را به جایی نصب کنند یا کسی را به شغل و مقام و درجه‌ای بگمارند و تعیین کنند، «منسوب و انتصاب» را به کار می‌برند.

۶۸ گزینه (ب): نوشتن «کشته‌گان» به این صورت از نظر رسم الخط، غلط است و باید به شکل **کشتگان** نوشته شود.

۶۹ (الف) مُطاع: شاعر صفات پیامبر را برمی‌شمرد؛ بنابراین صفت **مُطاع** (= فرمانروا، اطاعت شده) صحیح است و **متاع** به معنی «کالا، رخت و اسباب»، هیچ ارتباطی به معنای این مصراع ندارد.

(ب) انابت؛ انابت یعنی «بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی»

(ج) خوان؛ خان به معنی «بزرگ، رئیس و سرور قوم و قبیله» است و **خوان** یعنی «سفره فراخ». با توجه به معنای کلی عبارت - که در بیان رحمانیت و رزاقیت (روزی رسانی) خداوند است - و البته حضور واژه‌های «نعمت» و «کشیده» (= پهن کرده و گسترده) به راحتی می‌توان دریافت که **خوان** صحیح و مناسب است. «خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده» - سفره نعمت بی مضایقه و سخاوتمندانه خداوند در همه جا پهن شده است. **توضیح بیشتر:** دقت کنید که دو واژه مُطاع و متاع، هم‌آوانیستند، چون تلفظ متفاوتی دارند.

۷۰ گزینه (ج): بهر - بحر: حرف اضافه «بهر» تناسبی با عبارت ندارد و با توجه به معنای عبارت و همراهی واژه مستغرق (= غرق شده، مجذوب) می‌توان دریافت که **بحر** مناسب و صحیح است. در نظر گرفتن اضافه تشبیهی «بحرِ مکاشفت» (= دریای کشف و شهود) هم راه دیگری برای تشخیص غلط بودن املای «بهر» در این عبارت است.

۷۱ بگزارد؛ گزاردن در معنای «به جای آوردن، ادا کردن و پرداختن، رساندن و ...» به کار می‌رود. «بگذارد» از مصدر «گذاردن و گذاشتن» به معنی قراردادن است.

۷۲ گزینه (الف): در عبارت گزینه (الف)، واژه‌های مهمی مثل «خَلَعَت جامه دوخته که بزرگی به کسی بخشد»، «قبا (جامه جلوباز)، ورق (برگ)، قدوم (قدم نهادن و آمدن) و موسم (بهار)» همگی با املای درستی آمده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (ب): **غربت** - **غربت:** به معنی «دوری از شهر و خانه، تنهایی و بی‌کسی» است و **قربت** یعنی «نزدیکی و تقرب»؛ بنابراین آن چه صحیح است این است: طاعتش (عبادت خدا) موجب قربت است و ...

گزینه (ج): تهفه - **تحفه** (تحفه: هدیه و ارمان)

گزینه (د): **بهر - بحر:** با توجه به معنای مصراع دوم و حضور واژه‌های «موج و کشتیبان» می‌توان فهمید که **بحر** (= دریا) مناسب و صحیح است نه **بهر** (برای).

۷۳ گزینه (ب): سفوت - صفوت «صفوت آدمیان» یعنی برگزیده انسان‌ها

توضیح بیشتر: در عبارت (الف)، واژه‌های عاکفان (گوشه‌نشینان برای عبادت)، واصفان (ستانندگان)، حلیه (زیور و زینت)، تحیر (سرگشتگی)، و منسوب (نسبت داده شده) اهمیت املایی دارند و همگی با املای درست نوشته شده‌اند.

۷۴ تحفه و ارمقان - ارمان/ تنمه و مایع تمام و کمال - مایه (موجب)/ آکفان

و واصفان - **عاکفان/ وجع معاش - وجه/ مستغرق بحر مکاشفت - مستغرق نکته:** املای «مایع» و «مایه» را اشتباه نگیرید: مایع به معنی هر چیز روان مثل آب است، ولی **مایه** در معنای «اصل و اساس چیزی (مثل: آب مایه حیات است)، باعث و موجب (مثل: تزویر مایه ننگ است)، دارایی (مثل: فلانی مایه‌دار است) و اندازه و بسیار (مثل: چه مایه غم خورد تا گل برآرد)» به کار می‌رود.

۷۵ گزینه (الف): یا چهار

بررسی غلط‌های املایی و شکل صحیح آن‌ها: بنده‌گان - **بندگان/ نذر - نظر:** نذر به معنی «آن چه که شخص در راه خدا می‌دهد» هیچ ارتباطی با این متن ندارد و نظر (توجه و عنایت) مناسب و صحیح است: «ایزد تعالی در او نظر نکند». / **تززع - تصرع/ منصوب - منسوب** (نسبت داده شده)

توجه: املای کلماتی مثل «بندگی، بندگان، خستگان، فرهیختگی، سرگشتگی و ...» به همین شکل صحیح است و نگارش آن‌ها با «ه» زائد، به شکل «بنده‌گی، بنده‌گان، خسته‌گان، فرهیخته‌گی، سرگشته‌گی» از نظر رسم الخط غلط املایی محسوب می‌شود.

۷۶ گزینه‌های (ب) و (د): یا «سبا» و «شبحه»: در گروه کلمات (ب)، واژه سبا (= نام سرزمینی که بلقیس ملکه آن بود) مناسب ترکیب «نسیم باد سبا» نیست و روشن است که **سبا** (باد بهاری) باید جایگزین آن شود. در گروه (د) هم، **شبحه** با املای غلطی آمده و صورت صحیح آن، **شبهه** و شائبه است.

۷۷ گزینه (الف): واژه «خویش» هم‌آوا دارد و هم‌آوای آن، خویش (ابزار شخم‌زنی، گاواهن) است.

۷۸ (الف) خوان: هم‌آوای این واژه، «خان» (= بزرگ و رئیس ایل و قبیله) است.

(ب) منسوب: هم‌آوای این واژه، منصوب (= نصب شده، گماشته و تعیین شده) است.

۷۹ نفّس، منکر، مُطاع، باسق

توضیح بیشتر: دقت داشته باشید که شرط اول «هم‌آوا» بودن این است که دو واژه املا و تلفظی کاملاً یکسان داشته باشند؛ پس واژه‌های «نفّس و نفّس»، «مُنکر و مُنکر»، «مُطاع و متاع» هم‌آوا نیستند، چون تلفظ و آوای آن‌ها متفاوت است، امّا واژگانی مثل «حیات، صبا و منسوب» هم‌آوا دارند و هم‌آوای آن‌ها به ترتیب، **حیاط** (محوطه جلوی ساختمان)، **سبا** و **منسوب** است.

۸۰ گزینه (الف)

بررسی گزینه‌ها: گزینه (الف): نثر (نوشته، پراکنده) - نصر (یاری، فتح و پیروزی)/ قربت (نزدیکی و تقرب) - غربت (دوری، تنهایی)/ زمین - ضمین (ضامن، عهده‌دار)/ ثنا (ستایش و سپاس) - سنا (نور و روشنی)/ خواست (طلب کرد، اراده) - خاست (بلند شد) گزینه (ب): شیشه: هم‌آوا ندارد. / بَط: هم‌آوا ندارد. / مزید: هم‌آوا ندارد. / ثمر: نتیجه، میوه - سمر: قصه و افسانه/ خطا: گناه و اشتباه - ختا: نام سرزمینی بزرگ در ترکستان قدیم.

توضیح بیشتر: واژه‌هایی مثل «شیشه و شبح، سلاح و صلاح، اصرار و آسرار، بَط و بُت، هلال و خلّال و ...» هم‌آوا نیستند، چون اصلاً تلفظ یکسانی ندارند.

۸۱ قربت/ مترادف قربت: «نزدیکی»: غربت (= دوری از شهر و خانه) هم‌آوای واژه «قربت» است.

۸۲ (الف) فعل «است»: از پایان جمله دوم، به قرینه فعل قبلی حذف شده است. / **قرینه لفظی**

پس در هر نقشی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب [است].

(ب) فعل «است»: از پایان هر دو جمله عبارت حذف شده است. / **قرینه معنایی**

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده [است] و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده [است].

۸۳ (الف) «دو» مورد: مئت خدای را [است] عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندر شکر مزید نعمت [است].

(ب) هر دو فعل برای پرهیز از تکرار و به قرینه لفظی حذف شده‌اند.

۸۴ (الف) قرینه لفظی: فعل «است»، برای پرهیز از تکرار از پایان مصراع دوم حذف شده است: بنده گنه کرده است و او شرمسار [است].

توضیح بیشتر: مصراع اول بیت (الف)، یک جمله است و «و» به کار رفته در این مصراع از نوع عطف است: کرم و لطف خداوندگار را ببین؛ بنابراین فعلی حذف نشده است.

البته مطابق درس نامه می‌توانیم «لطف خداوندگار» را مفعول جمله‌ای در نظر بگیریم که فعل آن (بین) حذف شده است.

(ب) قرینه معنایی: فعل «است» بعد از «به» (= بهتر) حذف شده است: همان به [است] که بنده ز تقصیر خویش ... (← شماره ۷۶ دستور)





۸۵ الف نادرست: فعل «است» دو بار به قرینه معنایی از پایان جمله اول و سوم

حذف شده است که از معنای جمله قابل درک است: فزاش باد صبا را گفته [است] تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده [است] تا ...

ب) درست: فعل «هستند» بعد از واژه معترف به قرینه معنایی حذف شده است: عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف [هستند/اند] که: ...

۸۶ حرف ربط

توضیح بیشتر: «و» بین دو جمله آمده؛ پس از نوع ربط هم پایه ساز است.

۸۷ «دو» مصراع: مصراع دوم و چهارم، به شیوه بلاغی سروده شده اند.

صورت مرتب شده مصراع ها: مصراع دوم: بی دل از بی نشان چه باز گوید؟/ مصراع چهارم: آواز ز کشتگان برنیاید.

۸۸ گزینه ب: در عبارت سؤال، فعل «است» دو بار از پایان جمله های اول و سوم

برای پرهیز از تکرار و به خاطر وجود نمونه تکراری آن فعل، به قرینه لفظی حذف شده است. در عبارت (ب) نیز فعل «است» دو بار از پایان جملات حذف شده، اما نه به قرینه لفظی بلکه به قرینه معنایی: درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته [است] و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده [است].

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (الف): در این عبارت، فعلی حذف نشده و «و» به کار رفته از نوع عطف است نه ربط؛ پس کلاً عبارت، یک جمله است: از سرور کاینات و مقدر موجودات و رحمت عالمیان در خبر است ...

گزینه (ج): یک فعل به قرینه لفظی حذف شده است: هر نفسی که فرومی رود، ممد حیات است و چون برمی آید، مفزع ذات [است].

توجه: در جملاتی که ارکان آن ها به هم ریخته است بهتر است اول عبارت یا بیت را مطابق معیار مرتب کنیم تا مشخص شود که فعلی حذف شده است یا نه.

۸۹ گزینه ج: در این عبارت، فعل کمکی «بود» از پایان جمله دوم به قرینه فعل قبلی (قرینه لفظی) حذف شده است.

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (الف): فعل «است» از پایان هر دو جمله به قرینه معنایی حذف شده است: عصاره تکی به قدرت او شهد فایق شده [است] و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته [است].

گزینه (ب): فعل «هستند/اند» بعد از واژه منسوب به قرینه معنایی حذف شده است: واصفان جلوه جمالش به تحیر منسوب [هستند/اند] که ...

گزینه (د): بعد از منادا (ای مرغ سحر)، فعل و بخشی از جمله مانند «بدان، آگاه باش، با تو هستم، برو و ...» به قرینه معنایی حذف شده است.

۹۰ گزینه ب: «چون» در این مصراع، ادات تشبیه است و به عنوان حرف اضافه به کار رفته است. در دو گزینه دیگر، «چون» به معنی «هنگامی که، همین که، وقتی که» به کار رفته و پیوند وابسته ساز است. (← شماره ۹ آرایه)

۹۱ الف) این بوستان (یا چه تحفه) (← شماره ۱۹۷ دستور)

ب) طریق انبساط (← شماره ۱۹۸ دستور)

۹۲ الف) سه ترکیب وصفی: هر نفس، دو نعمت، هر نعمت

ب) سه ترکیب اضافی: دایه ابر، بنات نبات، مهد زمین

توضیح بیشتر: «ابر بهاری» ترکیب وصفی است.

توجه: ترکیب وصفی و اضافی در یک گروه اسمی (نهاد، مسند، مفعول و ...) شکل می گیرد نه در ترکیب دو گروه اسمی با هم: پس *مواستون باشه* یه وقت «دو نعمت، موهوب و ...» و «شکری، واهب» رو که هر کدوم از دو گروه اسمی *نهاد* و *مسند* تشکیل *شدن*، با هم ادغام و یه ترکیب وصفی *صباشون* کنن.

۹۳ الف) نادرست: فقط یک ترکیب اضافی وجود دارد: «کشتگان معشوق»

توضیح بیشتر: بیت را درست بخوانید تا گروه های اسمی آن پیدا شود: عاشقان (نهاد)، کشتگان معشوق (گروه مسند) اند/ آواز (نهاد) ز کشتگان (متمم) برنیاید.

ب) درست: «و» در مصراع دوم بین دو جمله آمده و از نوع ربط است.

بنده گنه کرده است و او، شرمسار [است]

نهاد مفعول نهاد مسند

توضیح بیشتر: حرف «و» در مصراع اول را می شود عطف یا ربط در نظر گرفت:

۱- [تو] کرم و لطف خداوندگار را ببین

عطف

۲- [تو] کرم خداوندگار را ببین و [تو] لطف خداوندگار را ببین.

ربط

۹۴ مضارع اخباری - مضارع التزامی: برآید = برمی آید/ آید = بیاید

۹۵ «سوم» - «چهارم»: زمان فعل های «رسم» (= برسم) و «کنم» (= بکنم) مضارع التزامی است، اما زمان سایر افعال در این عبارت، ماضی ساده است.

توجه: «ب» به کار رفته در آغاز فعل های «برسیدم» (= رسیدم) و «برفت» (= رفت)، «ب» زینت است که نباید آن را با «ب» مضارع التزامی اشتباه بگیرید.

۹۶ گزینه الف: زمان فعل مشخص شده در بیت سؤال، مضارع التزامی است:

«پرسد = پرسد». در مصراع گزینه (ب) نیز زمان فعل «شود» (= بشود) مضارع التزامی است؛ اما در عبارت (الف)، فعل «بخواند» با توجه به معنا، معادل فعل «می خواند» است؛ بنابراین زمان آن مضارع اخباری است. (← شماره ۱۴۱ دستور)

۹۷ ضمیر متصل در «بوی گلم چنان مست کرد»، مفعول است ← بوی گل

چنان من را مست کرد.

ضمیر متصل در «دامنم از دست برفت»، مضاف الیه است ← دامن از دست من برفت.

۹۸ گزینه ب: ضمیر متصل در عبارت گزینه (ب)، نقش مفعول دارد؛ بار دیگر، [بنده، او را] خداوند را) به تضرع و زاری بخواند (= می خواند)، اما در سایر گزینه ها، ضمیر متصل، نقش مضاف الیه دارد:

گزینه (الف): این مدعیان در طلب او (خداوند) بی خبران اند.

گزینه (ج): عاکفان کعبه جلال او (خداوند) به تقصیر عبادت معترف [اند] که ...

گزینه (د): خوان نعمت بی دریغ او (خداوند) همه جا کشیده

۹۹ ضمیر م در «دامنم»: ضمیر متصل در عبارت سؤال، به ترتیب در نقش های مفعول و مضاف الیه آمده است: بوی گل، من را چنان مست کرد که دامن از دست من برفت.

در عبارت «دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم»، ضمیر متصل «ش» هر دو بار، در نقش مضاف الیه به کار رفته است:

دعوت او را اجابت کردم و امید او را برآوردم؛ در این عبارت، درست است که ضمیر در گروه اسمی مفعول قرار دارند، اما نقش آن ها به تنهایی، مضاف الیه است و کلمات «دعوت» و «امید» هسته گروه مفعول اند.

۱۰۰ الف) مضاف الیه: تخم خرمایی، به تربیتش (= با تربیت و پرورش او) نخل باسق گشته. ضمیر در گروه متمم قرار دارد، اما «تربیت» هسته گروه متمم و ضمیر «ش»، مضاف الیه آن است.

ب) مفعول: بازش بخواند (= دوباره او را می خواند)

توجه: بچه ها بهترین راه پیدا کردن نقش ضمیر، مرتب کردن ارکان جمله و معنی کردن جمله است؛ والسلام.

۱۰۱ الف) همه: نهاد/ شرط: مسند

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار [اند]؛ [این] شرط انصاف نیست که تو فرمان نبری

نهاد

مسند

نهاد

محدوف

توضیح بیشتر: ۱) «همه» در این بیت، صفت مبهم نیست، چون موصوف (اسم) همراه آن نیامده؛ بنابراین خودش، اسم مبهم و در نقش «نهاد» است (منظور از «همه»، همه پدیده هاست). ۲) برای نهاد مصراع دوم، یک حالت دیگر هم می توان در نظر گرفت و گفت جمله پیرو، نهاد جمله پایه است: فرمان نبردن تو شرط انصاف نیست.

نهاد

مسند

ب) سر: مفعول/ مستغرق: مسند: یکی از صاحب دلان، سر را به جیب مراقبت فرو برده بود و ...

۱۰۲ الف) حرف اضافه: حرف «را» در معنی «برای» به کار رفته: سپاس برای خدای عزیز و بزرگی است که ...

ب) فک اضافه: «را» در مصراع دوم این بیت، مضاف و مضاف الیه را جابه جا کرده و بین آن دو فاصله انداخته است: آن سوخته را جان شد ← جان آن سوخته شد

نهاد صفت مضاف الیه

«سوخته» به عنوان صفت جانشین اسم آمده و در واقع اسم است.

۱۰۳ الف) حرف اضافه: همه را رسیده = به همه رسیده

ب) فک اضافه: به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه [را] بر سر اطفال شاخ نهاده [است].

۱۰۴ الف) متمم: همه را رسیده: به همه رسیده

ب) مفعول: خداوند [وظیفه روزی [را] نبرد.

ج) مسند: عاکفان کعبه جلال او به تقصیر عبادت معترف [هستند/اند]

د) نهاد: دامن از دست من برفت



۱۰۵ گزینه الف

«ما را چه تحفه کرامت کردی؟» ← برای ما چه تحفه ای [را] کرامت کردی (عطا کردی)؟
متقم مفعول

«دامنی پرکنم هدیه اصحاب را» ← [من] دامنی [را] برای هدیه اصحاب، پرکنم (= سازم)
مفعول متقم مضاف الیه مسند نهاد

«بوی گلم چنان مست کرد که...» ← بوی گل، من را چنان مست کرد که دامن از دست من برفت.
مضاف الیه

یار تون نره که واسه نقش یابی، اولین و بهترین کار مرتب کردن اهزای همله یا بیت هشت.

۱۰۶ گزینه الف

بررسی گزینه ها: گزینه (الف): «سه» حرف اضافه (را، به، اندر) و «دو» متمم (خدا، شکر) به کار رفته است؛ «را» در جمله اول به معنی «برای» و حرف اضافه است. در گروه اسمی «به شکر اندرش» هم «به» و «اندر» (= در) حرف اضافه اند.

گزینه (ب): «یک» حرف اضافه (را) و «یک» متمم (همه) دیده می شود. «را» در معنای حرف اضافه «به» به کار رفته است.

۱۰۷ الف «که» در مصراع دوم: کر = که از

توضیح بیشتر: «که» در مصراع اول به معنی «چه کسی» به کار رفته و ضمیر پرسشی است و نقش مضاف الیه دارد.

ب) مضاف الیه: که از عهده شکر او به در آید

ج) «چهار» ترکیب اضافی: دست که - زبان که - عهده شکر - شکرش (= شکر او)

۱۰۸ گزینه ب یا قید

[تو] کرم و لطف خداوندگار را بین! بنده گنه کرده است و او شرمسار [است].

مفعول معطوف مضاف الیه نهاد مفعول نهاد مسند

توضیح بیشتر: فعل «کرده است» در معنی «انجام داده است» به کار رفته؛ بنابراین نیاز به مفعول دارد و «گنه» مفعول آن است.

۱۰۹ «کلاه» یا «کلاه شکوفه»: نقش واژه «گنه» در بیت سؤال، مفعول است. در عبارت مورد پرسش هم «کلاه شکوفه» همین نقش را دارد.

توجه: بی دقتی در تشخیص نوع «را» در عبارت مورد پرسش می تواند شما را گمراه سازد. در نمونه های قبلی دیدیم که این «را» از نوع مفعولی نیست بلکه از نوع فک اضافه است که بین مضاف و مضاف الیه فاصله انداخته و آن دو را جابه جا کرده است؛ به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه [را] بر سر اطفال شاخ نهاده.

مفعول متقم مضاف الیه مضاف الیه

۱۱۰ الف «و» در مصراع اول (در هر چهار مورد): عطف / «و» در مصراع دوم: ربط

ب) مضارع التزامی: «آری = آوری، بیاوری»

۱۱۱ الف) به معنای «به» و حرف اضافه است.

دایه ابر بهاری را فرموده = به دایه ابر بهاری فرموده

متقم مضاف الیه صفت

ب) متمم

توضیح بیشتر: ما در تعیین نقش اصلی، یا باید نقش را به کل گروه بدهیم و یا فقط به هسته گروه؛ بنابراین در گروه «دایه ابر بهاری» کل گروه، نقش متمم دارد و کلمه «دایه» هسته گروه متمم است؛ اما کلمات «ابر» و «بهاری» به تنهایی، به ترتیب مضاف الیه و صفت اند.

۱۱۲ الف) گر کسی وصف او ز من پرسد / بی دل از بی نشان چه گوید باز؟

جمله وابسته جمله هسته

ب) بی دل - چه: نقش کلمات «کسی» و «وصف» در مصراع اول به ترتیب، (نهاد) و (مفعول) است. واژه های «بیدل» و «چه» نیز همین نقش ها را دارند؛

بی دل از بی نشان چه [چیزی را] باز بگوید؟

نهاد متقم مفعول فعل

۱۱۳ الف) جمله پایه: شرط انصاف نباشد / جمله پیرو: تو فرمان نبری

ب) ترکیب وصفی: «دو» مورد؛ چه غم - چه باک / ترکیب اضافی: «دو» مورد؛ دیوار اُمت - موج بحر
۱۱۴ الف) بوی گلم چنان مست کرد.

ب) «م»: مفعول / مست؛ مسند؛ صورت مرتب شده عبارت:

چون برسدیم، بوی گل، من را چنان مست کرد که دامن از دست من برفت.

نهاد مفعول مسند

توضیح بیشتر: در این عبارت، «برسدیم» و «دامنم از دست برفت» جمله های پیرو

(وابسته) اند، چون بعد از پیوندهای وابسته ساز (چون، که) ذکر شده اند.

۱۱۵ الف) مفعول؛ سؤال: چه چیزی را نبرد؟ ... پاسخ: وظیفه روزی را

ب) «دو» ترکیب وصفی: گناه فاحش - خطای منکر

ج) ندرد: مضارع اخباری / نبرد؛ مضارع اخباری؛ نذرند = نمی درد / نبرد = نمی بُرد

۱۱۶ الف) غیراسنادی؛ فعل «است»: در این عبارت به معنی «وجود دارد، آمده است» به کار رفته؛ پس غیراسنادی است؛ «در خبر است» ← در حدیث آمده است یا وجود دارد ...

ب) معطوف - بدل؛ «و»: در این عبارت در بین گروه های اسمی به کار رفته و از نوع عطف است؛ بنابراین گروه های «مفخر موجودات»، «رحمت عالمیان»، «صفوت آدمیان» و «تتمه دور زمان» نقش معطوف دارند. گروه اسمی «محمد مصطفی» هم معزف گروه های اسمی قبل از خود است و می تواند جانشین همه آن ها شود؛ پس گروه بدل است.

۱۱۷ الف) نهاد / مسند / مفعول / نهاد؛ صورت مرتب شده بیت اول:

همان پنه (= بهتر) [است] که بنده ز تقصیر خویش / به درگاه خدای عذر آورد

نهاد مسند نهاد متقم مضاف الیه مفعول

ب) خداوند؛ ورنه سزاوار خداوندی خدا / کس نتواند که ...

ج) سزاوار خداوندی خدا به جای آورد

د) مضاف الیه مضاف الیه

سزاوار خداوندی او / باران رحمت بی حساب او به همه رسیده

مضاف الیه مضاف الیه مضاف الیه صفت مضاف الیه
خداوندی (= مضاف الیه) رحمت (= مضاف الیه) (مضاف الیه)

۱۱۸ الف) مضاف الیه؛ طاعتش موجب قربت است ← طاعت او موجب قربت

است // به شکر اندرش ← در شکرگزاری او

ب) کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم؛ به شکر اندرش: «به» و «اندر» (= در) حرف اضافه اند که براساس ویژگی نوشتاری و دستوری کهن، هر دو برای یک متمم ذکر شده اند؛ یکی پیش از متمم و دیگری پس از آن.

ج) نهاد - متمم؛ صورت مرتب شده عبارت:

مئت (سپاس) برای خداوند - عز و جل - [است] که طاعتش موجب قربت است و به شکر نهاد متقم گروه نهاد گروه مسند متقم

اندرش مزید نعمت [است = وجود دارد].

مضاف الیه گروه نهاد

د) عاشقان - آواز؛ «مزید» در عبارت سؤال، هسته گروه نهادی است و نقش نهاد دارد؛

به شکر اندرش، مزید نعمت است (= وجود دارد).

نهاد مضاف الیه فعل غیراسنادی

واژه های «عاشقان» و «آواز» هم در بیت مورد پرسش، نقش نهاد دارند؛

عاشقان، کشتگان معشوق اند / آواز ز کشتگان برنیاید

نهاد گروه مسند نهاد متقم

۱۱۹ گزینه د؛ «واژه «فراش» متمم است، اما واژه «ابر» در گروه اسمی خود، نقش

مضاف الیه دارد:

«فراش باد صبا را گفته» ← به فراش بباد صبا گفته

متقم مضاف الیه مضاف الیه

«دایه ابر بهاری را فرموده» ← به دایه ابر بهاری فرموده

متقم مضاف الیه صفت

بررسی سایر گزینه ها: گزینه (الف): حرف «تا» هر دو بار به عنوان پیوند وابسته ساز به کار رفته و «و» هم از نوع پیوند هم پایه ساز است.

گزینه (ب): «گفته» و «فرموده» دو فعل با ساختار ماضی نقلی اند که فعل کمکی آن دو، به قرینه معنایی حذف شده است؛ گفته [است] - فرموده [است].

گزینه (ج): «را» هر دو بار به معنی «به» و حرف اضافه به کار رفته است.

۱۲۰ الف) «شهد» یا شهد فایق / «نخل» یا نخل باسق؛ «فایق» و «باسق» به تنهایی مسند نیستند و نقش صفت دارند؛ پس یا باید کل گروه «شهد فایق» و «نخل باسق» را مسند بگیریم یا فقط هسته های آنها را.

ب) «دو» ترکیب وصفی؛ شهد فایق - نخل باسق

ج) متمم؛ «به تربیتش» ← با تربیت و پرورش او (خداوند)

د) «او»: مضاف الیه / «ش» مضاف الیه؛ به قدرت او / به تربیت او





توضیح بیشتر: دقت کنید که هر دو ضمیر در گروه متمم قرار دارند، اما نقش آن‌ها

به تنهایی، مضاف‌الیه است و «قدرت» و «تربیت» هسته گروه‌هایشان هستند.

۱۲۱ الف) متمم - نهاد: «از بهر» حرف اضافه مرکب است.

ب) مسند - مسند: «در کار» یا هم، نقش مسند دارد. (← شماره ۵۱ دستور) همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار [اند/ هستند].

ج) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

جمله پایه (هسته)

تـا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

پیوند جمله پیروا جمله پیرو ۲

وابسته ساز

د) معنایی: فعل اسنادی «هستند» یا مخفف فعل اسنادی، «اند» به قرینه معنایی حذف شده است: همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار [هستند/ اند].

نهاد متمم مسند معطوف

ه) معطوف: ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند/ همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار [اند]؛ کلمات مشخص شده همگی نقش تبعی معطوف دارند.

۱۲۲ الف) حذف فعل به قرینه معنایی: فعل «است» یا «باشد» از پایان جمله‌های اول و سوم بیت به قرینه معنایی حذف شده است: چه غم [است/ باشد] دیوار اُفت را ... چه باک [است/ باشد از موج بحر ...]

ب) متمم - متمم - مفعول: صورت مرتب شده مصراع اول:

برای دیوار اُفت، چه غم [است/ باشد] وجود دارد که پشتیبانی چون تو دارد

متمم مضاف‌الیه نهاد مفعول متمم

ج) بحر: «بهر» هم‌آوای بحر است.

د) متمم - مسند: صورت مرتب شده مصراع دوم:

برای آن [کس] چه باک از موج بحر [است/ باشد] که نوح، کشتیانی [او] باشد؟

متمم نهاد مضاف‌الیه نهاد مسند

توضیح بیشتر: «را» در هر دو مصراع این بیت، به معنی «برای» است و کاربرد «حرف اضافه» دارد.

۱۲۳ الف) مفعول - مضاف‌الیه: باز، [بنده] او را بخواند ... [بنده] بار دیگر، او را بخواند. دعوت او را اجابت کردم و امید او را برآوردم.

ب) قید

ج) مفعول: دعوت او را اجابت کردم و امید او را برآوردم

مفعول مضاف‌الیه مفعول مضاف‌الیه

د) عطف - متمم: «و» در جمله پایانی بین دو گروه اسمی آمده است. «بسیاری» به معنای «بسیار بودن» اسم مصدر است و قید نیست.

توجه: ضمیر متصل «ش» بار اول و دوم به عنوان گروه اسمی مفعول به کار رفته و هسته گروه اسمی است، اما بار دوم و سوم، در درون گروه اسمی مفعول قرار دارد و به عنوان مضاف‌الیه گروه به کار رفته است و در واقع کلمات «دعوت» و «امید» هسته گروه مفعولی هستند.

توضیح بیشتر: مرجع ضمیر متصل «ش» در بار اول و دوم، «خداوند» و بار سوم و چهارم، «بنده» است.

۱۲۴ گزینه ۱ج): جمله «ما عَزَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» مفعول برای فعل پنهان شده «می‌گویند» در جمله قبل از آن است: واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب [هستند و با خود می‌گویند]: ما عَزَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه الف): «بودی» در معنای «حضور داشتنی» به کار رفته و غیراسنادی است. / گزینه ب): «را» در معنای «برای» به کار رفته و حرف اضافه است (دامنی را پر کنیم [برای] هدیه اصحاب) / گزینه د): وابسته‌های پیشین: هر، دو، هر

۱۲۵ الف) «شد» در معنی «رفت» به کار رفته و غیراسنادی است.

ب) «چهار» جمله: ۱- ای مرغ سحر ۲- عشق ز پروانه بیاموز ۳- کان سوخته را جان شد ۴- آواز نیامد (← شماره ۱۱۶ دستور)

ج) عشق: مفعول / جان: نهاد: [تو] عشق را از پروانه بیاموز که جان آن سوخته شد

مفعول متمم نهاد صفت مضاف‌الیه

(= رفت، غیراسنادی) و آواز نیامد.

د) سوخته: «اطفال» در عبارت مورد پرسش، نقش مضاف‌الیه دارد: کلاه شکوفه [را] بر سر اطفال شاخ نهاده. واژه «سوخته» نیز در مصراع دوم بیت سؤال، همین نقش را دارد: که جان آن سوخته شد و ...

ه) «که» (در «کان»): پیوند وابسته ساز/ «و»: پیوند هم‌پایه ساز

توجه: در این بیت، منظور از «سوخته» پروانه سوخته است؛ یعنی صفت به جای اسم

به کار رفته که در این صورت، واژه مورد نظر (سوخته) را اسم می‌دانیم و نقش آن مضاف‌الیه است. **۱۲۶ گزینه الف):** موارد مشخص شده اول و دوم، ترکیب اضافی‌اند، اما مورد سوم، اصلاً یک ترکیب نیست و از دو گروه اسمی «نهاد» (شکری) و «مسند» (واجب) تشکیل شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ب): دو جمله مرکب و دو جمله ساده دیده می‌شود: هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است (جمله مرکب)، چون برمی‌آید، مفزع ذات [است] (جمله مرکب)؛ در هر نفسی دو نعمت موجود است (جمله ساده)، بر هر نعمتی شکری واجب [است] (جمله ساده)

گزینه ج): دومین جمله هسته، «مفزع ذات» است که فقط یک گروه مسند است و نهاد آن (نفس) و فعل آن (است) محذوف است.

گزینه د): فقط «حیات» (= زندگی) هم‌آوا دارد. حیاط: محوطه بدون سقف جلوی ساختمان

۱۲۷ گزینه اب): «تو فرمان نبری» جمله پیرو است که بعد از پیوند وابسته ساز «که» آمده. این جمله در معنا و حالت کلی برای مصراع دوم، نقش نهاد دارد:

[این که] تو فرمان نبری، شرط انصاف نباشد.

نهاد مسند فعل اسنادی

توجه: برای فهم بهتر نقش کلی این جمله از خودتان بپرسید: «چه چیزی شرط انصاف نباشد؟» ← جواب: این که تو فرمان نبری (نهاد)

۱۲۸ گزینه د): در گروه «یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزار»، «یکی» صفت شمارشی نیست، چون موصوف همراه آن نیامده؛ پس اسم شمارشی و هسته گروه است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه الف): «روزگار» دوتلفظی است، یعنی به دو صورت «روزگار» و «روزگار» خوانده و تلفظ می‌شود.

گزینه ب): «پریشان‌روزار» وابسته هسته است نه وابسته وابسته:

بندگان گنهکار پریشان‌روزار

هسته صفت صفت

گزینه ج): «نظر» و «نذر» هم‌آوا نیستند، چون تلفظشان متفاوت است.

۱۲۹ صفت مضاف‌الیه: «را» در این بیت، از نوع فک اضافه است و مضاف و مضاف‌الیه را جابه‌جا کرده است؛ بنابراین صورت مرتب شده گروه اسمی «آن سوخته را جان شد» می‌شود: جان آن سوخته؛ در این صورت، «جان» هسته گروه اسمی، «سوخته» وابسته هسته و مضاف‌الیه و «آن»، وابسته وابسته از نوع «صفت مضاف‌الیه» است.

یادآوری: در پاسخ‌های قبلی هم اشاره کردیم که در این بیت، منظور از «سوخته» پروانه سوخته است؛ یعنی صفت به جای اسم به کار رفته که در این صورت، واژه مورد نظر (سوخته)، اسم است و نقش مضاف‌الیه دارد.

۱۳۰ گزینه اب): ضمیر متصل «ش» در گروه متمم، به عنوان وابسته وابسته از نوع «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» به کار رفته است: از عهد شکر او (عهد: هسته/ شکر: وابسته، مضاف‌الیه/ ش: مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

توضیح بیشتر: در عبارت (الف)، ضمیر «م» در «گلم» نقش مفعول دارد؛ بنابراین جزء گروه اسمی «بوی گل» (نهاد) محسوب نمی‌شود و وابسته وابسته نیست و خودش گروه اسمی مستقل است: بوی گل، من را چنان مست کرد که ...

۱۳۱ الف) درست

ب) نادرست: فعل «شد» در این بیت، به معنی «رسید» به کار رفته و غیراسنادی است؛ پس «خبر» مسند نیست و نقش نهاد دارد:

«آن را که خبر شد»: به آن [کسی] که خبر شد (= رسید) (← شماره ۳۵ دستور)

متمم نهاد

ج) درست

۱۳۲ سعدی شیرازی - نصرالله منشی

۱۳۳ کلیله و دمنه: نصرالله منشی، کتاب «کلیله و دمنه» را به نثر فارسی ترجمه کرده است.

۱۳۴ گلستان سعدی

۱۳۵ گزینه الف): «کلیله و دمنه» اثری تعلیمی است و در این حوزه بررسی می‌شود.

توضیح بیشتر: «ادبیات تعلیمی» شامل آثاری می‌شود که هدف آن‌ها آموزش نکات علمی و اخلاقی است و «گلستان» و «کلیله و دمنه» از نمونه‌های برجسته ادبیات تعلیمی‌اند.

۱۳۶ قطعه: در قالب شعری قطعه فقط مصراع‌های زوج هم‌قافیه‌اند؛ مثل همین شعر سعدی.

۱۳۷ خداوندگار و شرمسار

۱۳۸ سجع

اما در اضافه‌های تشبیهی «قبای سبز ورق»، «اطفال شاخ» و «کلاه شکوفه»، واژه‌های ورق، شاخ (= شاخه) و شکوفه به ترتیب مشبّه‌اند و واژه‌های قبا، اطفال و کلاه هم مشبّه به هستند.



۱۶۳ الف درست

(ب) نادرست: این بیت عربی از زبان خود سعدی در وصف پیامبر بیان شده و آن را از پیامبر و یا از منبعی دیگر نقل نکرده است؛ پس تضمین ندارد.

توضیح بیشتر: در عبارت سؤال، «سرور کاینات» به مضمون حدیث «أُولَئِكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْإِفْلَاقَ» - که در شأن و منزلت پیامبر در میان موجودات آفرینش بیان شده است - اشاره دارد و عبارت «رحمت عالمیان» هم به مضمون آیه ۱۰۷ سوره انبیا در وصف پیامبر اشاره دارد: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (و تو را جز رحمتی بر اهل جهان نفرستادیم).
۱۶۴ الف کنایه: «بی دل» کنایه از «عاشق» و «بی نشان» کنایه از «خداوند» است.

(ب) واج آرایی

(ج) تکرار

(د) فعل پیشوندی (باز بگوید = بگوید) - باز و آشکار (بی پرده) بگوید/ایهام

۱۶۵ الف خیر؛ «جیب مراقبت»

در این جا اضافه اقترانی است؛ نه استعاری.

(ب) «بحر مکاشفت» - مشبّه: مکاشفت/ مشبّه به: بحر

(ج) استعاره: «بوستان» - استعاره از عالم معنویت و عرفان/ «درخت گل» - استعاره از عشق و معرفت الهی/ «بوی گل» - استعاره از جذبه و لذت حاصل از درک حقایق و معارف الهی

(د) فرورفتن در عمق حقایق و معارف عرفانی و پی بردن به ذات حقایق

(ه) کنایه: در جمله اول، «صاحب دلان» کنایه از عارفان است و «سر به جیب مراقبت فروبردن» کنایه است از در حالت تأمل و تفکر عمیق عارفانه فرورفتن. در جمله پایانی هم عبارت «دامن از دست رفتن» کنایه است از بی اختیار و از خود بی خود شدن و مدهوش شدن.

۱۶۶ گزینۀ الف: سعدی در این عبارت، در ضمن کلام خود، حدیثی را عیناً به زبان عربی نقل کرده؛ پس از آرایۀ تضمین استفاده کرده است.

بررسی سایر گزینۀ ها: گزینۀ (ب): عبارت «تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته» برگرفته از مضمون آیه قرآنی ﴿وَالنَّخْلُ بَاسِقَاتٍ لِّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ﴾ (و درختان بلند خرما با خوشه ها و شکوفه های پر و بر هم انباشته) است و تلمیح دارد.

گزینۀ (ج): عبارت «به شکر اندرش مزید نعمت [است]» به مضمون بخشی از آیه ۷ سوره ابراهیم اشاره دارد: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ (اگر شکرگزار باشید، نعمت را بر شما افزون کنم).
 گزینۀ (د): عبارت «در مهد زمین برپورد» به آیه ۶ سوره النبا اشاره دارد: ﴿لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا﴾ (آیا زمین را بستر و گهواره ای قرار ندادیم؟)

نکته: اگر کل و یا بخشی از یک آیه قرآنی و حدیث عیناً در نوشته نقل شود، آرایۀ تضمین شکل می گیرد، ولی اگر مضمون و ترجمۀ آن بیاید، تلمیح خلق می شود. (← شماره ۷۰ آرایه)

۱۶۷ الف حسن تعلیل: کنایه: «شدن جان» (=رفتن جان)، کنایه از مردن و فنا شدن است. «سوخته» هم کنایه از پروانه است. / نماد: «مرغ سحر» نماد عاشق مدعی و دروغین و «پروانه» نماد عاشق و عارف حقیقی است.

(ب) تناقض: تضاد: «خداوندگار و بنده» / تلمیح: مضمون بیت به حدیث «يَا مَلَأْتُكَ قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ» اشاره دارد.

توضیح بیشتر: در بیت (الف)، توجیه و بهانه تراشی شاعرانه غبرواقعی مطرح نشده است؛ پس حسن تعلیل ندارد.

۱۶۸ الف - (۲) تضاد: «مرغ سحر» و «پروانه» از نظر معنا و مفهوم تضاد دارند.

(ب) - (۵) حسن تعلیل: علت سکوت و خاموشی عاشقان راکشته شدن آنان می داند، خب، آوردن این دلیل شاعرانه غبرواقعی برای موضوع سکوت عاشقان، حسن تعلیل آفریده است.

(ج) - (۱) جناس: «مست و دست» جناس ناهمسان دارند.

(د) - (۳) تشبیه: «بحر مکاشفت» اضافه تشبیهی دارد.

۱۶۹ گزینۀ ج: (← شماره ۱۰۵ آرایه) بررسی استفهام انکاری در ابیات:

گزینۀ (الف): از دست و زبان که برآید؟ - از دست و زبان کسی برنمی آید.

گزینۀ (ب): چه غم دیوار اُمت را...؟ - برای دیوار اُمت غمی نیست (وجود ندارد). / «چه باک از موج بحر؟» - باکی از موج بحر نیست.

گزینۀ (د): بی دل از بی نشان چه گوید باز؟ - بی دل از بی نشان چیزی نمی تواند بگوید.

۱۷۰ «عبادت خدا» - موجب نزدیکی و تقرب به اوست. / «شکر و سپاس از خدا» - باعث افزایش نعمت می شود.

۱۷۱ ناتوانی انسان در شکرگزاری از نعمات خداوند

۱۷۲ (۱) رحیم بودن؛ رحمت بی اندازه و فراگیر خداوند در حق بندگان

(۲) رزاق و روزی رسان بودن؛ انعام فراگیر خداوند

۱۷۳ الف) رزق مقرر و معین

(ب) عیب پوشی خداوند؛ ستار العیوب بودن خدا - رزاق بودن و روزی رسانی خدا؛ با وجود خطاکاری بندگان

۱۷۴ الف) خدا

(ب) «مرغ سحر»؛ مرغ سحر نماد همان مدعیان دروغین است که ادعا می کنند به شناخت حق و حقیقت دست یافته اند.

۱۷۵ الف) سبزه ها و چمن ها، گیاهان سبز

(ب) «باد صبا» رسالت دارد که - فرشی از سبزه و چمن در طبیعت پهن کند (با ورزش خود سبزه ها را برویاند)

(ا بر بهاری) رسالت دارد که - گیاهان ظریف و خُرد را در زمین پرورش دهد.

۱۷۶ توصیف آغاز فصل بهار و سبز شدن درختان و رویش شکوفه ها بر سر شاخه ها

توجه: وقتی «مضمون» یک بیت یا عبارت پرسیده می شود، شما باید «موضوع» مطرح شده در آن بیت و عبارت را بنویسید.

۱۷۷ الف) پرورش و عنایت الهی (ب) خداوند

۱۷۸ تتمۀ دور زمان؛ «تتمۀ دور زمان» یعنی مایۀ تمامی و کمال دور زمان رسالت؛ سعدی با ذکر این صفت پیامبر اکرم (ص) به موضوع ختم رُسل بودن یا خاتم النبیین بودن آن حضرت اشاره می کند.

۱۷۹ الف) مرجع ضمیر «تو» (در مصراع های دوم و سوم) - انسان

(ب) غفلت و بی خبری انسان از یاد خداوند

(ج) «نان به کف آوردن»

(د) گزینۀ ۲: لزوم سپاسگزاری و اطاعت از خداوند [در کنار تمام مخلوقات]

توضیح بیشتر: روشن است که مرجع ضمیر «تو» در مصراع چهارم هم «انسان» است. **توجه:** دقت داشته باشید که در مصراع سوم، به اشتباه، مرجع ضمیر «تو» را «خداوند» ننویسید! چون در این بیت هم سعدی خطاب به انسان می گوید که: همه پدیده های آفرینش در خدمت تو هستند [ای انسان]؛ پس ...

۱۸۰ برقراری حیات و زندگی - شاد شدن وجود، فرح انگیزی

۱۸۱ الف) گناه و کوتاهی در عبادت

(ب) استغفار و طلب عفو، توبه کردن به درگاه خدا

۱۸۲ الف) پیامبر اکرم (ص)؛ بیت در وصف و نعت پیامبر است.

(ب) دلگرمی و آسودگی خاطر پیروان پیامبر (ص) به حمایت و شفاعت او

۱۸۳ گزینۀ ب: مفهوم مشترک عبارت سؤال و بیت (ب): اقرار به ناتوانی در شناخت خداوند/ مفهوم بیت (الف)، ناتوانی در شکرگزاری از خداوند است.

۱۸۴ پیامبر اکرم (ص)؛ یا حضرت محمد (ص)

۱۸۵ طلب عذر و توبه به درگاه خداوند؛ «انابت» یعنی توبه و «دست انابت به درگاه حق برداشتن» به معنی استغفار و طلب توبه است.

۱۸۶ الف) خداوند

(ب) نهایت کرم و لطف الهی؛ این که خداوند چه قدر کریم و مهربان است!

۱۸۷ گزینۀ الف: با توجه به متن پرسش «اگر بنده گنهگار، دست توبه به امید اجابت به درگاه حق بلند کند، حق تعالی بار اول به خواست و انابت او توجهی نمی کند و بار دیگر که بخواند باز هم خدا اعراض می کند و بالاخره بار سوم خداوند به انابت و تضرع بنده نظر می کند»؛ براین اساس، مداومت بنده بر توبه و استغفار سبب پذیرش درخواست توبه بیان شده است.

۱۸۸ تحیر و سرگشتگی انسان در وصف و شناخت خداوند متعال؛ خداوند توصیف ناپذیر است و کسی که بخواهد او را وصف کند، در برابر عظمت و اوصاف او ناتوان و حیران می شود.

۱۸۹ گزینۀ ب: عبارت سؤال و بیت (ب) به مفهوم «نهایت کرم و لطف خداوندی در حق بندگان» اشاره می کنند: کرم و لطف خداوند چه بی حد است! بنده گناه می کند، اما او (خدا) از گریه و زاری و عفو نکردن بنده اش خجل است.

مفهوم بیت (الف): توصیه به استغفار و طلب توبه به درگاه خداوند



۱۹۰ الف) نادرست؛ «باد صبا» در این عبارت مایهٔ سرسبزی و شکوفایی طبیعت است که با وزش نسیم خود در فصل بهار، زمین را سبز و زنده می‌گرداند.

ب) درست؛ این که ابر و باد و ... یعنی همهٔ افلاکیان در خدمت او می‌باشند، بیانگر ارزش وجودی انسان و کرامت اوست.

۱۹۱ الف) به گناه و کوتاهی در عبادتشان؛ چون آن گونه که شایسته است، خداوند را عبادت نکرده‌اند.

ب) در شناخت اوصاف خداوند؛ تو را آن گونه که سزاوار شناسایی هستی، نشناختیم **۱۹۲ گزینهٔ ج؛** «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده» ← «رحمانیت خداوند// «خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده» و «وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبرد» ← «رزاقیت خداوند// «پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد» ← «ستاریت خداوند. قهاریت یعنی چیرگی و تسلط

۱۹۳ پندار و گمان و اندیشهٔ باطل، مقایسهٔ نابه‌جا و ساده‌لوحانه و در نهایت سستی و ترک تلاش

۱۹۴ الف) بی‌دل ← بندهٔ عاشق و دل‌داده/ بی‌نشان ← معشوق حقیقی (خداوند) ب) «من» = بی‌دل / «او» = «بی‌نشان»

ج) سکوت و تحیر عارفانه

۱۹۵ الف) در حالت تفکر و تأمل عمیق عارفانه فرو رفته بود.

ب) «در بحر مکاشفت مستغرق شده بود.»؛ «مکاشفت» در اصطلاح عرفانی «پی بردن به حقایق» است.

ج) کار مراقبت و مکاشفت است.

د) به شیوهٔ صمیمی و خودمانی

۱۹۶ گزینهٔ الف)

۱۹۷ الف) مرغ سحر؛ عاشق مدعی و دروغین؛ آن که به عشق حقیقی دست نیافته است. پروانه: عاشق و عارف حقیقی و بی‌ادعا

ب) پروانه

ج) مُردن و فناشدن

د) گزینهٔ ب) یا پاکبازی، بی‌ادعایی و سکوت

۱۹۸ سکوت و بی‌ادعایی عاشقان و عارفان حقیقی؛ رازداری عارفان و عاشقانی که در ذات حق غرق و فانی شده‌اند.

۱۹۹ گزینهٔ ج؛ مفهوم کلی و نهایی عبارت سؤال، رزاق بودن و روزی رسانی خداوند است. سعدی می‌گوید: خداوند حتی با وجود خطا و گناه زشت بندگان، روزی آن‌ها را قطع نمی‌کند. در مصراع گزینهٔ (الف)، هم شاعر عنوان می‌کند که خداوند، تقصیر و گناه ما را نادیده می‌گیرد. در مصراع گزینهٔ (ب)، سخن از کرم و لطف بی‌شمار خداوند در حق بندگان خطاکار و گستاخ است. مصراع گزینهٔ (د) هم آشکارا از موضوع روزی رسانی خداوند رزاق به بندگان روزی خور سخن می‌گوید، اما مفهوم مصراع گزینهٔ (ج)، «طلب توفیق ستایش پروردگار» است: خداوند به زبان من ثنا و ستایش خود را بیاموز.

۲۰۰ الف) رازداری عارفانه؛ آن را که خبر شد، خبری بازنیامد: عارف حقیقی خاموش است و افشای سیر نمی‌کند.

ب) کمال عفو الهی

ج) پیروی از پروردگار؛ مصراع دوم بیانگر همین مفهوم است.

د) یکتایی و بی‌مانندی پروردگار؛ «نتوان شبه تو گفتن» بیانگر این مفهوم است.

۲۰۱ الف) عشق و معرفت الهی - جذب و لذت حاصل از درک حقایق الهی، جلوه‌هایی از درک معارف الهی

ب) وصال به معشوق حقیقی (وصال به مرتبهٔ عشق و معرفت الهی)

ج) کنایه از «از خود بی‌خود شدن، مدهوش و بی‌اختیار شدن»/ از خود بی‌خودی عارفانه (یا مقام فناء فی الله)

۲۰۲ الف) آگاهی و شناخت

ب) مرتبهٔ فنا فی فناء فی الله (محو و فانی شدن عارف در ذات حق)

۲۰۳ الف) غیرعرفانی؛ «کرامت» در این عبارت، به معنی «عطا و بخشش» است؛ بنابراین معنا و مفهوم غیرعرفانی دارد.

ب) سالکی ناپخته و ناآگاه؛ سعدی در این بخش از کلام خود، کلام شخصی را بازگو می‌کند که ناپخته و ناآگاه است، چرا که اگر آگاه می‌بود، می‌دانست که عالم حقیقت و معرفت،

عالم سکوت و خاموشی و از خود رستگاری است و این گونه با حالت طنز و شوخی از شخص صاحب‌دل، طلب تحفه (بازگویی سز و اسرار) نمی‌کرد.

ج) مرغ سحر = یکی از یاران که به طریق انبساط سخن گفت.../ پروانه = صاحب‌دل، صاحب‌دلی که در بحر مکاشفت مستغرق شده بود.

نکته: «کرامت» هرگاه در معنی «کرم، لطف و عطا و بخشش» به کار برود، مفهوم آن، غیرعرفانی است؛ اما وقتی این کلمه در معنای «کار خارق العاده و معجزه‌آسایی که از بزرگان و اولیاء الله سر می‌زند» به کار رود، معنای عرفانی در خود دارد. به عنوان مثال «کرامت» در عبارت سؤال و بیت زیر مفهوم غیرعرفانی دارد:

کرامت کن درونی درد پرورد/ دلی در وی، درون درد و برون درد (کرامت کن: عطا کن)

اما در ابیات زیر، «کرامت» معنا و مفهوم عرفانی دارد:

با خرابات نشینان ز کرامات ملاف/ هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد («کرامات»): کارهای خارق العادهٔ عارفان)

چو بدین گهر رسیدی، رسد که از کرامت/ بنهی قدم چو موسی، گذری ز هفت دریا (این که شخص به درجه‌ای برسد که چو موسی از دریا بگذرد، حتماً صاحب معجزه و کرامت است.) **۲۰۴ بخش «۲» یا همه عیبی تو بیوشی؛** در جملهٔ سؤال، سخن از عیب پوشی خداوند و به اصطلاح، «ستار العیوب» بودن خداوند است. در بخش دوم مصراع اول هم به همین موضوع اشاره می‌شود.

مفهوم سایر بخش‌ها: «همه عیبی تو بدانی» ← خداوند، عالم به همهٔ اسرار و غیب‌دان است (الله عالم الغیب).

«همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فرایی» ← عزت و ذلت به دست و ارادهٔ خداوند است (تعز من تشاء و تذل من تشاء).

۲۰۵ گزینهٔ الف)؛ مفهوم مشترک عبارت سؤال و بیت (الف): ناتوانی از وصف و درک عظمت خداوند (حیرت در برابر عظمت خداوند).

توضیح بیشتر: در بیت (ب) سه مفهوم دیده می‌شود: ۱- عیب پوشی و ستار العیوب بودن خداوند (همه عیبی تو بیوشی) ۲- دانا به اسرار بودن خداوند، علام الغیوب بودن خدا (همه عیبی تو بدانی) ۳- عزت و ذلت به خواست و ارادهٔ خداوند است. (مصراع دوم)

۲۰۶ مفهوم مشترک: عبادت و بندگی خدا، موجب نزدیکی و تقرب به اوست.

۲۰۷ گزینهٔ ج؛ مفهوم عبارت سؤال، فراگیری لطف و رحمت و نعمت خداوند است. در گزینهٔ (ج)، نوابخش به معنی «نعمت‌دهنده و روزی‌رسان» است و نوازنده هم به معنی «مهربان و رحیم»؛ بنابراین در این گزینه به نعمت‌دهندگی خداوند مهربان اشاره شده است.

۲۰۸ گزینهٔ الف)

توضیح بیشتر: «مطاع» و «نسیم» در بیت (ب) نادرست معنی شده‌اند.

۲۰۹ گزینهٔ ب)

۲۱۰ گزینهٔ د)

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ (الف): تو را چنان که شایسته است، پرستش و عبادت نکردیم. گزینهٔ (ب): او هیچ کسی جز من ندارد؛ پس او را آموختیم.

گزینهٔ (ج): تو را چنان که سزاوار شناسایی توست نشناختیم.

۲۱۱ بخشش و مهربانی خداوند را ببین که بنده مرتکب گناه می‌شود در حالی که او (خداوند) از گناه‌کردن بنده شرم‌منده است.

۲۱۲ هیچ کس نمی‌تواند با کردار و گفتار خود، شکر و سپاس خداوند را به جای آورد.

۲۱۳ همان بهتر است که بنده به خاطر گناه و کوتاهی در عبادت در پیشگاه خداوند عذرخواهی کند (طلب مغفرت کند).

۲۱۴ وگرنه آن گونه که سزاوار خداوندی خداست، هیچ کس نمی‌تواند شکر خدا را به جای آورد.

۲۱۵ ابر و باد و ماه و خورشید و آسمان (همهٔ پدیده‌های آفرینش) در تلاش‌اند تا تو (ای انسان)، رزق و روزی به دست آوری و در استفاده از آن، از یاد خدا غافل نباشی.

۲۱۶ حال که همهٔ پدیده‌های هستی در خدمت تو هستند (مطیع و فرمانبر تو هستند)، منصفانه نیست که تو از خداوند اطاعت نکنی.

۲۱۷ اگر کسی توصیف او (خداوند) را از من بپرسد، من عاشق از معشوق بی‌نشان (خداوند) چگونه آشکارا سخن بگویم؟ (نمی‌توانم او را توصیف کنم).

۲۱۸ ای بلبل (عاشق مدعی و دروغین)، عشق حقیقی را از پروانه (عاشق واقعی و پاکباز) بیاموز، چرا که پروانه در راه عشق، جان خود را فدا می‌کند بدون آن که سخن و ادعایی از او شنیده شود.





- ۲۱۹** اینان که ادعا می‌کنند خداوند را شناخته‌اند، در واقع از اویی خبر هستند، زیرا کسی که خدا را بشناسد و از اسرار الهی باخبر شود، در وجود خدا محو و فانی می‌شود و سکوت می‌کند.
- ۲۲۰** هسته ناچیز خرمایی به واسطه تربیت و پرورش خداوند، درخت خرمای بلندی شده است.
- ۲۲۱** شیره درخت انگور به قدرت خداوند عسل خالص شده است.
- ۲۲۲** سپاس مخصوص خداوند عزیز و بزرگی است که عبادتش سبب نزدیکی به اوست و شکرگزاری از او موجب افزایش نعمت است.
- ۲۲۳** هر نفسی که پایین می‌رود (عمل دم) یاریگر زندگی است و وقتی [آن نفس] بالا می‌آید، شادی بخش وجود است.
- ۲۲۴** [خداوند] آبرو و شرافت بندگان را به سبب گناه آشکار آنان نمی‌ریزد و روزی مقرر ایشان را به خاطر خطا و گناه ناپسندشان قطع نمی‌کند.
- ۲۲۵** [خداوند] به باد صبا که همچون فرش گسترده‌ای است، فرمان داده تا فرشی از سبزه و چمن را بر روی زمین پهن کند (خداوند به باد صبا دستور داده تا با وزش خود سبزه و چمن‌ها را در طبیعت برویاند).
- ۲۲۶** یکی از عارفان، در حالت تفکر و تأمل عارفانه و توجه به حق و کشف حقایق الهی فرو رفته بود.
- ۲۲۷** [بنده] بار دیگر، او (خداوند) را با گریه و زاری و التماس می‌خواند (طلب می‌کند).
- ۲۲۸** [بنده] دست خود را به نشانه توبه و استغفار، به درگاه خداوند متعال بلند می‌کند.
- ۲۲۹** خواسته او را پذیرفتم و آرزوی او را برآورده کردم.
- ۲۳۰** گوشه‌نشینان و عابدان کعبه بزرگی و شکوه خداوند به کوتاهی در عبادت اقرار می‌کنند.
- ۲۳۱** ستایندگان زیور زیبایی خداوند، [در برابر شکوه و جمال خداوند] حیرت‌زده و سرگردان‌اند.
- ۲۳۲** سفره نعمت سخاوتمندانه و بدون مضایقه خداوند در همه جا پهن شده است.
- ۲۳۳** رحمت بی‌اندازه خداوند همچون بارانی به همه رسیده است.
- ۲۳۴** [خداوند] به عنوان هدیه نوروزی لباسی از برگ‌های سبز بر تن درختان پوشانده است.
- ۲۳۵** [خداوند] با فرارسیدن فصل بهار، شکوفه را مانند کلاه بر سر شاخه‌های کوچک درختان قرار داده است.
- ۲۳۶** از کشتگان (عاشقان حقیقی فنا شده در راه حق) هیچ سخنی به گوش نمی‌رسد.
- ۲۳۷** و وقتی [آن نفس] بالا می‌آید، شادی بخش وجود است.
- ۲۳۸** [ای پیامبر]، امتی که حامی و پشتیبانی مثل تو دارد، هیچ غمی ندارد.
- ۲۳۹** تا تصویری از تو بکشد (تو را توصیف کند). / از شدت حیرت، قلم را از انگشت (دست) او انداخته‌ای.
- ۲۴۰** دوباره [خداوند] روی برمی‌گرداند.
- ۲۴۱** برگزیده از افراد بشر و مایه تمامی و کمال گردش روزگار
- ۲۴۲** برای ما چه هدیه‌ای آوردی؟
- ۲۴۳** مدهوش و بی‌اختیار شدم.